



پیامی به آمریکا ارسال نشده

رهبر انقلاب: باید از رئیس‌جمهور و دولت حمایت کرد



اعتراف به خطا

عذرخواهی کیهان از مرعشی و هاشمی



دنبال در دسر نیستیم

گفت‌وگو با آلفرد یعقوب‌زاده



حمله به گارد ملی

پس از آنکه یک جوان افغانستانی، دو عضو گارد ملی که در حال گشت زنی بودند را به قتل رساند ترامپ مهاجرت از کشورهای جهان سوم به آمریکا را به‌طور دائمی تعلیق کرد سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



آمریکا روز چهارشنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵ با خبری تکان‌دهنده رویه‌رو شد؛ حمله‌ای جسورانه و کمین‌گونه تنها چند بلوک دورتر از کاخ سفید، زمانی رخ داد که یک تبعه افغان به‌سوی دو عضو یونیفرم‌پوش گارد ملی آمریکا که در مرکز شهر واشنگتن دی‌سی مشغول گشت‌زنی بودند، تیراندازی کرد. این حادثه حوالی ساعت ۲:۱۵ بعدازظهر و در نزدیکی تقاطع خیابان‌های ۱۷ رخ داد. مهاجم که «رحمان‌الله لکان‌وال» ۲۹ ساله معرفی شده بنا بر گزارش‌ها با استفاده از یک هفت‌تیر اسمیت‌اندسون کالیبر ۳۵۷ و بدون هیچ‌گونه تحریک یا درگیری قبلی دست به شلیک زد. تصاویر ویدئویی بررسی شده توسط بازرسان، نشان می‌دهد که او ناگهان از مخفیگاه بیرون آمده و بلافاصله به‌سمت نیروهای گارد ملی آتش گشوده است.

| ادامه در صفحه ۳

خاموشی بلبل گیلان

ناصر مسعودی، خواننده بزرگ و مردمی درگذشت سازندگی به زندگی و زمانه او پرداخته است



یادداشت روز

تقسیم به سیاه و سفید

در بحث اینترنت طبقاتی، اصحاب رسانه بیش از همه مظلوم واقع شدند

عمادالدین باقی

جامعه‌شناس
و پژوهشگر حقوق‌بشر

در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی همین عبارات عیناً تکرار شده با این تفاوت که آزادی بیان را لجام‌گسیخته و بدون خط قرمز ندانسته و به مسئولیت و تکالیفی هم در این زمینه اشاره داشته و افزوده است: اعمال این حق مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است لذا ممکن است، تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: احترام حقوق با حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

غالباً در استناد به اسناد حقوق بشر برای دفاع از حق آزادی بیان از ذکر این قیود و شروط خودداری می‌کنند و البته ذکر این قیود هم مجوز قیم شدن حکومت برای حق آزادی بیان و ایجاد محدودیت در دسترس به اخبار و یا اینترنت آزاد را نمی‌دهد و این مسئولیت بر عهده خود شهروندان است.

اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی هم به صراحت، حق آزادی بیان را تضمین کرده به گونه‌ای که رئیس کمیسیون اصل ۲۴ در مجلس خبرگان قانون اساسی می‌گوید، غرض از اصل ۲۴ این است که افراد بتوانند در رد سیستم جمهوری اسلامی هم کتاب بنویسند و یا عقاید غیردینی خودشان را بیان کنند.

بنابراین حق آزادی بیان را نمی‌توان به هیچ بهانه‌ای سلب کرد. با ظهور پدیده اینترنت، حق دسترسی به اینترنت آزاد فقط بیانگر حق آزادی بیان نیست زیرا بسیاری از مشاغل و کسب‌وکارها در بستر اینترنت سامان می‌گیرند. خبرنگاران بنا به ضرورت‌های حرفه‌ای باید هر روز و هر ساعت در جریان خبرهای دنیا باشند و دسترسی به اینترنت آزاد، پایه حیات شغلی‌شان به شمار می‌آید. نه تنها کسب‌وکارها که بسیاری از معاملات و فعالیت‌های اقتصادی شهروندان هم بر بستر اینترنت انجام می‌شود. حتی پهنای باند و سرعت اینترنت بر اقتصاد عمومی و شرایط زندگی مردم تاثیر مستقیم دارد.

سرعت پایین اینترنت در ایران که یکی از اهدافش، سخت کردن استفاده از فیلترشکن‌هاست و آنقدر زجرآور شده به گونه‌ای که نگارنده یک سال پیش در شبکه‌های اجتماعی از توهین و تحقیر کرامت انسان و تحریک مردم به خشم از طریق آزاردهنده کردن سرعت اینترنت سخن گفت.

| ادامه در صفحه ۶

آگهی مناقصه
۱۴۰۴/م/۳۲

دانشگاه علوم پزشکی
و خدمات بهداشتی
درمانی مازندران





گفتار روز

ابطال فیلترینگ

عطریان فر: فیلترینگ دیر یا زود جمع خواهد شد



گروه سیاسی: محمد عطریان‌فر،

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران معتقد است که فیلترینگ دیر یا زود جمع خواهد شد و محدودیت‌های اینترنتی که سال‌ها کسب‌وکارها و زندگی روزمره مردم را مختل کرده بالاخره مسیر توسعه و دسترسی آزاد دیجیتال را به پیش خواهد برد. او فیلترینگ را مانعی بازدارنده می‌داند که نه تنها جلوی رشد ظرفیت‌های دیجیتال کشور را گرفته بلکه تجربه تاریخی نشان داده، انسداد فرهنگی و ارتباطی هیچ‌گاه مشکلات جامعه را حل نکرده است.

اخیرا افشاکاری‌ها درباره «خط سفید» برخی مسئولان در شبکه اجتماعی ایکس(توییتر سابق) به یک جنجال سیاسی جدی در کشور تبدیل شده است. در حالی که برخی مسئولان وجود دسترسی بدون فیلتر برای خود را تکذیب کردند، عده‌ای دیگر، خبرنگاران را مقصر دانستند که چرا خط آنان سفید است. مسئله‌ای که افکار عمومی را با پرسشی جدی مواجه کرده است: چرا مردم عادی از اینترنت بدون فیلتر برخوردار نیستند و برای دسترسی به یک مقاله علمی یا شبکه‌های اجتماعی باید هزینه اینترنت گران و فیلترشکن‌های پرهزینه‌ای را بپردازند که سود آن تنها در جیب سودجویان می‌رود؟

عطریان‌فر در گفت‌وگو با خبرآنلاین می‌گوید که فیلترینگ در سال‌های اخیر همواره محل مناقشه میان دو رویکرد سیاسی بوده است؛ گروهی که نگاه توسعه‌گرایانه دارند و گروهی که رویکردی سنتی و محافظه‌کارانه را دنبال می‌کنند. عطریان‌فر معتقد است، کسانی که به توسعه ملی ایران توجه دارند، فیلترینگ را مانعی بازدارنده می‌دانند که زندگی روزمره مردم و فعالیت‌های کسب‌وکارها را محدود می‌کند و جلوی بهره‌برداری از ظرفیت‌های دیجیتال کشور را می‌گیرد.

وی ادامه می‌دهد که طرفداران دیدگاه‌های سنتی، برخلاف توسعه‌گرایان، به توسعه کشور توجهی ندارند و موضوعات ملی برای آنها اهمیت ندارد. این گروه بدون توجه به پیامدهای منفی برای مردم و کسب‌وکارها بر ادامه فیلترینگ تأکید دارند و باعث ایجاد مشکلات سالیان سال برای جامعه شده‌اند.

عطریان‌فر با اشاره به وعده‌های انتخاباتی برخی از مسئولان به طور خاص از آقای پزشکیان یاد می‌کند و می‌گوید که او تلاش کرد، فیلترینگ را رفع کند اما موفق نشد. به گفته او، دلیل ناکامی پزشکیان این بود که نهادهای مرجع و مسئول در این حوزه تحت اختیار کامل رئیس‌جمهور نبودند. او تأکید کرد که اگر رئیس‌جمهور اختیار کامل داشت، می‌توانست این مسیر را مطابق وعده‌های خود به پیش ببرد و موضوع فیلترینگ را حل کند.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب معتقد است که تجربه تاریخی نشان می‌دهد بسیاری از محدودیت‌های فرهنگی و ارتباطی که توسط نیروهای رادیکال و سنتی اعمال می‌شد به جای حل مسائل روحی، روانی و فرهنگی جامعه تنها انسداد و بسته شدن کانال‌های ارتباطی را به دنبال داشت. او اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را ابزاری دوگانه توصیف کرد که هم می‌تواند برای توسعه و آموزش و هم برای اعمال خشونت مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین جلوگیری از استفاده صلح‌آمیز و سودآور مردم از این شبکه‌ها منطقی نیست.

عطریان‌فر در مورد آینده فیلترینگ می‌گوید که افق پیش رو به سمت رفع محدودیت‌هاست و درنهایت این مسئله به نفع نظریه توسعه‌گرایان حل خواهد شد. او به برخی اقدامات اخیر اشاره کرد که دسترسی‌های محدود بدون فیلتر را برای برخی گروه‌ها فراهم کرده‌است و این اقدام را مثبت ارزیابی کرد. او تأکید کرد که این آزادی باید تدریجی باشد و بخشی از برنامه بلندمدت به نام «اینترنت سفید» در شورای عالی فضای مجازی مورد بحث قرار گرفته است. وی با طرح انتقاد از نحوه اجرای دسترسی‌های آزاد به اینترنت گفت که بهتر بود، ابتدا دسترسی برای دانشگاه‌ها، پژوهشگران، بخش‌های خدماتی و کسب‌وکارها فراهم می‌شد تا برچسب تبعیض یا امتیاز خاص برای مسئولان ایجاد نشود. به گفته او حتی اگر دسترسی محدود فقط برای مسئولان ایجاد شده باشد، ایرادی ندارد اما لازم است این دسترسی به تدریج گسترده‌تر شود.

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی تصریح کرد که وقتی نیروهای افراطی و مخالف آزادسازی اینترنت مجبور به استفاده از دسترسی بدون فیلتر می‌شوند این خود بهترین دلیل برای ابطال نظریه‌های آنان درباره فیلترینگ است. وی درباره وضعیت اینترنت خود نیز گفت که دسترسی محدود پیدا کرده اما هنوز کامل نیست.

پیامی به آمریکا ارسال نشده

رهبر انقلاب: از رئیس‌جمهور و دولت خدمتگزار حمایت کنیم



وجود پایدار بسیج در ایران را دوچندان می‌کند. ایشان در بخش دیگری از سخنان خود به تشریح مفهوم بسیج پرداختند. به گفته رهبر انقلاب، بسیج یک چهره سازمانی دارد که بخشی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و در عرصه‌های مواجهه با دشمن قوی و در عرصه‌های خدمت به مردم مانند امدادسانی در حوادث طبیعی، خدم و فعال است. با این حال بسیج فقط به ساختار رسمی محدود نیست بلکه مجموعه عظیمی از افراد بانگیزه و مؤمن را شامل می‌شود که در عرصه‌های علم، صنعت، اقتصاد، دانشگاه، تجارت، تولید، حوزه‌های علمی و حتی فعالیت‌های فرهنگی حضور دارند. ایشان هر فعالیت جهادی، مؤمنانه و پرانگیزه را «بخشی از بسیج عظیم مردمی» دانستند. رهبر انقلاب به‌ویژه یادآوری کردند که حتی بسیاری از دانشمندان و فعالانی که در جنگ اخیر و در مسیر تولید علم یا فناوری به شهادت رسیدند، هرچند عضو رسمی بسیج نبوده‌اند اما در حقیقت «بسیجی» محسوب می‌شوند. همچنین سازندگان تجهیزات دفاعی، طراحان ابزارهای نظامی و فعالان رسانه‌ای که در برابر موج شبهه‌افکنی دشمن ایستادگی می‌کنند نیز از نظر ایشان جزو مجموعه عظیم بسیج هستند. در نگاه رهبر انقلاب، بسیج نه یک گروه محدود بلکه یک «هویت ملی» است که همه اقشار کشور را شامل می‌شود و نقش مهمی در جلوگیری از پیشبرد نقشه‌های دشمن دارد.

۴ توصیه کلیدی به ملت

در بخش پایانی سخنرانی، رهبر انقلاب چند توصیه خطاب به مردم ایران مطرح کردند. نخستین توصیه ایشان، حفظ اتحاد در برابر دشمن بود. وی بیان کردند که اختلافات داخلی طبیعی است اما در مقابل دشمن باید همانند دوره جنگ ۱۲روزه، ملت یکپارچه و متحد باشند. توصیه دوم رهبر انقلاب، حمایت از دولت و رئیس‌جمهور بود. ایشان اقدامات دولت را ادامه‌دهنده مسیر شهید رئیسی دانسته و تأکید کردند که اداره کشور، مسئولیتی سنگین است و نیاز به حمایت ملی دارد. توصیه سوم، پرهیز از اسراف در آب، نان، گاز، بنزین و سایر منابع بود. آیت‌الله خامنه‌ای اسراف را یکی از آسیب‌های جدی برای اقتصاد کشور و خانواده‌ها دانستند و تأکید کردند که کاهش هدررفت منابع می‌تواند، وضعیت کشور را به‌طور محسوس بهبود بخشد. در پایان، رهبر انقلاب توصیه کردند، مردم بیش از گذشته ارتباط معنوی خود با خدا را تقویت کنند و برای امنیت، باران، سلامت و حل مشکلات کشور از خداوند یاری بخواهند.

دولت آمریکا شایسته ارتباط نیست

رهبر انقلاب سپس سیاست‌های آمریکا در سطح جهانی را مورد انتقاد قرار داده و دخالت‌های این کشور در کشورهای مختلف از جنگ اوکراین تا تحولات آمریکای لاتین را نمونه‌ای از جنگ‌افروزی و ویرانی توصیف کرده و تصریح کردند: رئیس‌جمهور کنونی آمریکا که می‌گفت سه‌روژه این جنگ را حل خواهد کرد اکنون پس از حدود یک سال در حال تحمیل طرح ۲۸ ماده‌ای به کشوری است که آن را وارد جنگ کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای حملات رژیم صهیونیستی به لبنان، تجاوز به سوریه و جنایات آن در کرانه غربی و وضع اسفبار غزه را مصادیق دیگری از حمایت‌های عیان آمریکا از جنگ و جنایت رژیم پلید برشمردند و گفتند: البته شایعاتی درست می‌کنند که دولت ایران به واسطه فلان کشور به آمریکا پیغام فرستاده است که این دروغ محض است و چنین چیزی حتما وجود نداشت. ایشان با اشاره به خیانت آمریکا حتی به دوستان خود در ازای حمایت از باند صهیونی و جنایتکار و تلاش برای جنگ‌افروزی در دنیا به خاطر نفت و منابع زیرزمینی که دامنه آن امروز به آمریکای لاتین نیز رسیده است، گفتند: چنین دولتی قطعاً دولتی نیست که جمهوری اسلامی در پی همکاری و ارتباط با آن باشد. رهبر انقلاب همچنین در سخنان خود به موضوعات متعددی از جمله جایگاه بسیج، ماهیت و کارکرد این نهاد مردمی و نکاتی درباره اتحاد ملی و وظایف جامعه اشاره کردند. ایشان با تریک فرا رسیدن هفته بسیج، بیان کردند که هر ساله بزرگداشت بسیج از این جهت مورد تأکید است که این جریان باید نسل‌به‌نسل در کشور استمرار پیدا کند و تقویت شود. رهبر انقلاب بسیج را «حرکتی ارزشمند ملی» توصیف کردند که انگیزه‌های آن ریشه در ایمان، غیرت ملی و اعتمادبنفس دارد و افزودند: امروز نسل چهارم بسیج، یعنی نوجوانان، در حال ورود به عرصه‌های فعالیت هستند و این یک ثروت بزرگ ملی است که باید حفظ و منتقل شود. ایشان تأکید کردند که کشور ایران به دلیل ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های جهانی و تشکیل جبهه مقاومت بیش از دیگر کشورها نیازمند وجود بسیج است. آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه با اشاره به گسترش مفهوم مقاومت در سطح جهان گفتند که این حرکت که از ایران آغاز شده، امروز در بسیاری از نقاط دنیا، از جمله در خیابان‌های کشورهای اروپایی و آمریکا، دیده می‌شود و مردم با شعارهای مرتبط با مقاومت فلسطین و غزه، همبستگی خود را بیان می‌کنند. به تعبیر رهبر انقلاب، این رویش گسترده، اهمیت

حزب

اعتراف به خطا

عذرخواهی کم‌سابقه کیهان از سیدحسین مرعشی و محسن هاشمی

گروه سیاسی: روزنامه کیهان در اقدامی کم‌سابقه از سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایراو نیز محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای مرکزی این حزب عذرخواهی کرد. این عذرخواهی پس از آن انجام شد که کیهان در صفحه اقتصادی خود، گزارشی از خبرگزاری فارس را بازنشر کرد؛ گزارشی که در آن ادعا شده بود، بانک ایران‌زمین با مؤسسه مالی مولی‌الموحیدین و از طریق آن با مرعشی و خانواده هاشمی‌رفسنجانی ارتباط دارد.

فارس در گزارشی با عنوان «بانک‌های خصوصی در انحصار اصلاح‌طلبان» مدعی شده بود، چند بانک خصوصی کشور توسط افراد نزدیک به جریان اصلاح‌طلب اداره یا تأسیس شده‌اند. در میان این موارد، درباره بانک ایران‌زمین این‌گونه نوشته بود: «این بانک که با ارتقاء مؤسسه اعتباری مولی‌الموحیدین تبدیل به بانک شد، وابسته

به حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی و از بستگان سببی خاندان هاشمی‌رفسنجانی است». فارس همچنین این مؤسسه را همان خبریه مولی‌الموحیدین استان کرمان دانسته و ارتباط آن را به‌صورت مستقیم به مرعشی نسبت داده بود. این گزارش بخشی از یک روایت گسترده‌تر بود که قصد داشت نشان دهد، اصلاح‌طلبان برخلاف ادعای نداشتن سهم در قدرت، نفوذ اقتصادی گسترده‌ای در بانک‌های خصوصی دارند. روزنامه کیهان نیز این گزارش را در صفحه اول خود بازنشر و ادعای نادرست فارس را تکرار کرد. موضوعی که باعث شد، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی نسبت به این انتساب واکنش نشان داده و با ارسال جوابیه‌ای خواستار تصحیح گزارش شود.

مرعشی در جوابیه خود به کیهان توضیح داد که «تعاونی مالی- اعتباری مولی‌الموحیدین که در خراسان شکل گرفت و بعدها به بانک

ایران‌زمین تبدیل شد، مجموعه‌ای کاملاً متفاوت و بی‌ارتباط با خبریه مولی‌الموحیدین استان کرمان بوده و هست ضمن اینکه یادآور می‌شود؛ خبریه مذکور نیز تاکنون هیچ‌گونه فعالیتی در حوزه‌های پولی و بانکی نداشته و ندارد. بدیهی است که بین اینجانب و بانک ایران‌زمین نیز هیچ‌گونه رابطه سازمانی یا کاری برقرار نبوده و نیست».

کیهان نیز در پاسخ نوشت: «از کم‌دقتی که منجر به اشتباه در تشابه اسمی شده بود، پوزش می‌خواهیم». این روزنامه همچنین اعلام کرد که محسن هاشمی نیز طی تماس تلفنی نسبت به این خبر اعتراض کرده است. گرچه کیهان در تتر خود از واژه «جوابیه» استفاده کرد و نه «عذرخواهی» اما در متن، پوزش خود را رسماً اعلام کرد.

خبرگزاری فارس نیز با یک روز تأخیر بخش مربوط به مؤسسه مولی‌الموحیدین را در خبر خود اصلاح کرد و نوشت که «به‌طور سهوی، مؤسسه مولی‌الموحیدین مرتبط با بانک ایران‌زمین و مؤسسه خبریه مولی‌الموحیدین» یکی فرض شده‌اند. فارس همچنین جوابیه مرعشی را منتشر کرد و پذیرفت که این خطا ناشی از پیچیدگی ساختار این دو مجموعه بوده است. با این حال، فارس در متن خود همچنان از ادبیات توجیهی «اشتباه سهوی» استفاده و از عذرخواهی مستقیم پرهیز کرد.

حمله مرموز

قلب انرژی کردستان عراق متوقف شد

گروه بین‌الملل: اواخر روز چهارشنبه ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵ حوالی ساعت ۱۱:۳۰ شب به وقت محلی، میدان گازی «کورمور» در ناحیه چمچمال استان سلیمانیه در اقلیم خودمختار کردستان عراق، هدف یک حمله پهپادی یا موشکی قرار گرفت؛ حادثه‌ای که فوراً موجی از شوک و نگرانی در سطح منطقه و شبکه‌های انرژی عراق ایجاد کرد. میدان کورمور، یکی از حیاتی‌ترین دارایی‌های انرژی اقلیم کردستان تحت مدیریت شرکت «پزل پترولیوم» است؛ شرکتی که سهام آن میان شرکت‌های اماراتی «دانا گاز» و «هلال پترولیوم» تقسیم شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که یا یک پهپاد به مخزن اصلی ذخیره مایعات اصابت کرده و یا یک موشک به آن برخورد کرده است، انفجاری مهیب رخ داد و شعله‌های آتش گسترده‌ای منطقه را دربر گرفت.

اگرچه شرکت دانا گاز اعلام کرد که هیچ‌یک از کارکنان آسیبی ندیده‌اند، منابع امنیتی و کارگران حاضر در محل از زخمی شدن چند نفر خبر دادند. اما پیامد اصلی این حمله، توقف فوری و کامل انتقال گاز به نیروگاه‌های برق محلی بود؛ حادثه‌ای که تولید برق در اقلیم کردستان و بخش‌هایی از شبکه ملی را تا حد فاجعه‌آمیزی کاهش داد. مقام‌های دولت

اقلیم کردستان، افت تولید را تا ۸۰ درصد، معادل سه هزار مگاوات، برآورد کردند. خاموشی‌های گسترده‌ای شهرهای اربیل، سلیمانیه، دهوک، کرکوک و نینوا را فراگرفت و زندگی روزمره و خدمات عمومی را به شدت مختل کرد. مهندسان میدانی برآورد کردند که تعمیر انبار اصلی ذخیره گاز مایع چند روز طول خواهد کشید و تیم‌های فنی و امنیتی به سرعت برای بازگرداندن عملیات به محل اعزام شدند.

واکنش مقامات رسمی عراق و اقلیم کردستان سریع و قاطع بود. دولت فدرال عراق و حکومت اقلیم کردستان

ایسن حمله را «اقدامی تروریستی و خطرناک» و «حمله‌ای علیه تمام عراق» و تأکید کردند، هدف از آن تضعیف امنیت و ثبات اقتصادی کشور بوده است. محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر عراق و مسرور بارزانی، نخست‌وزیر اقلیم

کردستان، توافق کردند کمیته‌ای تحقیقاتی مشترک و در سطح عالی تشکیل شود. این کمیته به ریاست وزیر کشور عراق و

با حضور رئیس سرویس اطلاعات ملی، وزیر کشور اقلیم کردستان و نمایندگان از ائتلاف تحت رهبری آمریکا، مأمور شد که شرایط وقوع حمله را بررسی، عاملان آن را شناسایی و

برای پاسخگو کردن آنها اقدام کند. قرار است نتایج این تحقیق

ادامه تیتربیک

حمله به گارد ملی

هر دو قربانی این حادثه، «سارا بکستروم» سرباز رسته تخصصی و ۲۰ ساله و «اندرو وولف» گروهبان ۲۴ ساله نیروی هوایی از اعضای گارد ملی ویرجینیای غربی بودند که در قالب یک مأموریت بحث‌برانگیز مقابله با جرم و ناامنی به پایتخت اعزام شده بودند. متأسفانه بکستروم روز پنج‌شنبه ۲۷ نوامبر بر اثر شدت جراحات جان باخت، در حالی که گروهبان وولف همچنان در بیمارستان و در وضعیت بحرانی برای بقا می‌جنگد.

لکان‌وال پس از آنکه یک عضو دیگر گارد ملی یا یک مأمور پلیس به آتش او پاسخ داد و وی را هدف قرار داد، مهار و بازداشت شد. طبق گزارش‌ها، جراحات او خطر جانی

نداشت. گفته می‌شود، لکان‌وال که در

شهر بلینگهام ایالت واشنگتن سکونت داشته از آن سوی کشور با خودرو سفر کرده تا این حمله هدفمند را انجام دهد.

پیشینه او بلافاصله به محور اصلی تحقیقات تبدیل شد زیرا او سپتامبر ۲۰۲۱ در قالب «عملیات استقبال از متحدان» برنامه اسکان افغان‌ها پس از خروج آمریکا از افغانستان وارد خاک ایالات متحده شده بود. سازمان سیا نیز تأیید کرد که لکان‌وال پیش‌تر در قندهار به عنوان

عضو یک نیروی همکار با دولت آمریکا از جمله با سیا، همکاری داشته، هرچند این ارتباط در سال ۲۰۲۱ پایان یافته بود. او در دولت پیشین برای دریافت پناهندگی درخواست داده بود و وضعیت پناهندگی‌اش در آوریل ۲۰۲۵ به‌طور رسمی پذیرفته شد.

اف‌بی‌آی که هدایت این تحقیق گسترده و چندنهادی را بر عهده دارد، اعلام کرده که این تیراندازی را به عنوان یک اقدام احتمالی تروریستی بررسی می‌کند، هرچند انگیزه دقیق هنوز به‌طور رسمی اعلام نشده است. مقامات همچنین در حال بررسی این احتمال هستند که لکان‌وال ممکن است از مشکلات جدی سلامت روان رنج برده باشد؛ از جمله احتمال بروز پارانو یا و این تصور که دولت در پی اخراج او بوده است. پس از مرگ متخصص بکستروم، «جینین پیرو» دادستان ایالات متحده اعلام کرد که اتهامات اولیه شامل سه مورد «حمله با قصد قتل همراه با سلاح گرم» و سه مورد «حمل سلاح در جریان ارتکاب جرم خشونت‌آمیز» به «قتل درجه یک» ارتقا می‌یابد. این حادثه غم‌انگیز رئیس‌جمهور دونالد ترامپ را بر آن داشت تا دستور اعزام ۵۰۰ عضو دیگر گارد

ملی به واشنگتن را صادر کند و خواستار بازبینی فوری و کامل همه مهاجران افغان شود که در دولت قبلی وارد آمریکا شده بودند. او این حمله را نشانه‌ای از شکست فرآیند بررسی سوابق عنوان کرد.

این رویداد، فضای سیاسی آمریکا را بیش از پیش ملتهب کرده و بحث‌ها درباره سیاست مهاجرتی، نحوه اسکان افغان‌ها و نیز استقرار نیروهای گارد ملی در پایتخت را وارد مرحله‌ای جدید و پرتنش کرده است. هزینه‌ای انسانی و سنگین بر سیاست‌های نظامی و سیاسی آمریکا تحمیل کرده و به موجی از اقدامات فوری حقوقی و اجرایی منجر شده است؛ اقداماتی که آینده مهاجران افغان و دامنه اختیارات رئیس‌جمهور را در مرکز توجه ملی قرار داده است.

دونالد ترامپ مظنون اصلی این حادثه را هیولای وحشی نامید و دولت بایدن را به خاطر تسهیل ورود افغان‌هایی که با نیروهای آمریکا در جنگ افغانستان همکاری کرده بودند مورد انتقاد قرار داد. به گزارش دویچه وله، رئیس‌جمهور آمریکا همچنین اعلام کرد، مهاجرت از «کشورهای جهان سوم» «به‌طور دائم» متوقف می‌شود و گفت: «ایسن اقدام را انجام خواهیم داد تا نظام ایالات متحده به‌طور کامل احیا شود». او از بازگرداندن «میلیون‌ها» مجوز اقامت صادر شده در دولت قبلی و پایان مزایای فدرال برای غیرشهروندان سخن گفت؛ اقدامی که با دستور اداری بازبینی گسترده گرین‌کارت‌ها همراه بوده و در اروپا با واکنش منفی برلین روبه‌رو شده است. در فرمان‌های گذشته، ورود از ۱۲ کشور به‌طور کامل و از ۷

ظرف ۷۲ ساعت ارائه شود. فرماندهی عملیات مشترک عراق نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که تمام طرف‌های مسئول این حمله به سزای خود خواهند رسید. در پیامی توثیقی، حزب‌الله عراق گروه‌های مرتبط با ترکیه را پشت حملات اخیر به میداین نفت و گاز در اقلیم کردستان دانست. با این حال هیچ گروهی به طور رسمی، مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفت. میدان کورمور در سال‌های اخیر بارها هدف حملات پهپادی و راکتی قرار گرفته است؛ از جمله حمله‌ای در آوریل ۲۰۲۴ که به کشته شدن چهار کارگر انجامید.

شبکه العهد عراق به نقل از یک منبع امنیتی از احتمال

خاورمیانه

افشای پیام تند عربستان به اسرائیل

مبنایی برای عادی‌سازی نیست

روزنامه عبری هاآرتص روز جمعه مدعی «پیامی از عربستان سعودی» به رژیم صهیونیستی شد که در آن آمده بود: «تا زمانی که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر است هیچ مبنایی برای عادی‌سازی روابط بین ریاض و تل‌آویو وجود ندارد».

این مطلب در مقاله‌ای توسط این روزنامه چاپ‌گرا و مترقی، متعلق به آموس شوکن، چند روز پس از آن منتشر شد که «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان سعودی از واشنگتن اعلام کرد که کشورش مایل است در چارچوبی که رادخل دو دولت را تضمین می‌کند به «توافق ابراهیم» (توافق‌های عادی سازی با اسرائیل) پیبوند. شوکن، مالک روزنامه‌ای که به خاطر محکوم کردن سیاست‌های افراطی نتانیاهو شناخته می‌شود، گفت: «این ماه، مقامات سعودی پیامی را ارسال کردند مبنی بر اینکه تا زمانی که نتانیاهو نخست وزیر است هیچ مبنایی برای عادی سازی روابط بین پادشاهی و اسرائیل وجود ندارد». او این را به این واقعیت نسبت داد که «روابط نتانیاهو با رهبران کشورهای عربی که ما از قبل با آنها توافق‌نامه‌های صلح داریم مانند مصر و اردن، حداقل ایده‌آل نیست». دلیل دوم، به گفته او، این است که «سعودی‌ها خواهان مسیری روشن برای تأسیس یک کشور فلسطینی هستند». شوکن، نام مقامات سعودی ارسال‌کننده نامه یا گیرنده آن را مشخص نکرد. با این حال ایالات متحده از طرفداران سرسخت گسترش توافق‌نامه‌های ابراهیم و گتجاندن ریاض در آنهاست. عربستان سعودی نیز هیچ اظهارنظری فوری در مورد این نامه ارائه نکرد. از ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل ۱۶۰ کشور، کشور فلسطین را به رسمیت می‌شناسند، در حالی که مقامات سعودی تأیید کرده‌اند که عادی‌سازی روابط با اسرائیل بدون اقدام مشابهی از سوی اسرائیل رخ نخواهد داد. نتانیاهو بارها اعلام کرده است که اجازه تأسیس کشور فلسطین را نخواهد داد و خواست جامعه بین‌المللی را به چالش می‌کشد.



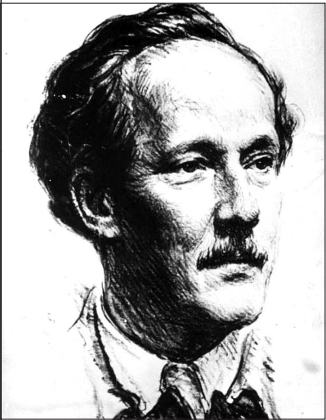
کشور به‌صورت محدود ممنوع شده بود (از جمله افغانستان، میانمار، چاد، جمهوری کنگو، گینه‌استوایی، اریتره، هائیتی، ایران، لیبی، سومالی، سودان و یمن؛ و محدودیت‌های جزئی برای بوروندی، کوبا، لانوس، سیرالئون، توگو، ترکمنستان و ونزوئلا). ترامپ در پیام‌های آنلاین از لغو میلیون‌ها مجوز اقامت صادرشده در دولت پیشین و قطع همه مزایای فدرال برای غیرشهروندان سخن گفت. او همچنین وعده داد همه اتباع خارجی که به‌زعم دولت، خطر امنیتی تلقی می‌شوند یا با ارزش‌های اعلامی دولت سازگار نیستند، اخراج خواهند شد. ترامپ همچنین به پناهندگان سومالیایی در مینه‌سوتا حمله کرد و گفت که آنها «در حال تکه‌تکه کردن آن ایالت زمانی بزرگ» هستند؛ بخشی از تعهد گسترده‌تر او برای اخراج غیرقانونی افراد حاضر در این کشور و تعلیق پذیرش اکثر پناهندگان. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین گفته است که قصد دارد هر کسی که «به اینجا تعلق ندارد یا به کشور ما سودی نمی‌رساند» را حذف کند.

کاخ سفید نیز از تدوین مجموعه‌ای از تصمیم‌ها خبر داده که محور آن، تعلیق ورود متقاضیان از کشورهایی است که در فهرست‌های امنیتی دولت قرار دارند. اداره خدمات شهروندی و مهاجرت آمریکا اعلام کرده، بازبینی «جامع و سخت‌گیرانه» همه گرین‌کارت‌های اتباع کشورهای مشمول را آغاز می‌کند. این نهاد به فهرست ۱۹ کشوری اشاره کرده که در فرمان ماه ژوئن رئیس‌جمهور آمده بود. اجرای تعلیق‌های سراسری در ورودی‌ها به ایالات متحده و بازبینی انبوه مجوزهای اقامت می‌تواند، نظام مهاجرتی آمریکا را با چالش‌های حقوقی و اجرایی مواجه کند؛ از جمله دعاوی تبعیض و بار اداری بر سازمان خدمات شهروندی و مهاجرت آمریکا.

ادبیات جهان

مصائب روشن فکران روس

نظر آبتین گلکار دربارهٔ اهمیت خیابانی دنج در قلب مسکو میخائیل آسارگین



آبتین گلکار می‌گوید، ماجراهای رمان «خیابانی دنج در قلب مسکو» بسیار شبیه ماجراهای رمان «دکتر ژیاگو» است؛ اتفاقاتی واحد با دو شیوهٔ روایت متفاوت.

گلکار دربارهٔ کتاب میخائیل آسارگین با عنوان «خیابانی دنج در قلب مسکو» که با برگردان او توسط نشر ماهی منتشر شده است به ایسنا می‌گوید: «این کتاب نوشتهٔ یک نویسنده نسبتاً ناشناس روس است که برای خواننده ایرانی خیلی آشنا نیست. آسارگین چند سال بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ مجبور شد از روسیه مهاجرت کند، در واقع عملاً از روسیه اخراج شده و در اروپا زندگی می‌کرد، به همین علت آثارش در بین خود روس‌ها هم شناخته‌شده نبود. البته آسارگین در میان محافل مهاجر هم از کسانی بود که با همه میانه‌ای نداشت و با هیچ گروه و مسلکی نمی‌ساخت؛ به همین علت معروف نبود و بعد از فروپاشی شوروی دوباره کشف شد و روس‌ها به او توجه کردند.»

شبیه نویسنده‌های کلاسیک روس

گلکار دربارهٔ عنوانی که در ترجمهٔ فارسی رمان میخائیل آسارگین آورده، می‌گوید: «اسم اصلی رمان نام یکی از خیابان‌های مرکزی مسکو است که هم اسم مشکلی است و هم هیچ ذهنیتی به خواننده ایرانی نمی‌داد و به همین دلیل اسم توصیفی «خیابانی دنج در قلب مسکو» را برایش انتخاب کردم. البته در ترجمه‌های زبان‌های دیگر هم این کار را کرده‌اند، یعنی ترجمه انگلیسی و آلمانی که دیده‌ام، اسم خاص را به این شکل درآورده و ترجمه کرده‌اند. «خیابانی دنج در قلب مسکو» ماجرای یک خانواده روس است که سال‌های جنگ جهانی اول و بعد انقلاب اکتبر و جنگ داخلی و سرکوب روشن‌فکران را می‌بیند، در واقع چند واقعهٔ بزرگ تاریخی را در عرض چند سال تجربه می‌کند. ماجراهای رمان بسیاری شبیه ماجراهای رمان «دکتر ژیاگو» است، گاه جزئیات‌شان شباهت عجیب و غریبی به‌هم پیدا می‌کند اما شیوهٔ روایت کاملاً متفاوت است. آسارگین و بوریس پاسترناک، اتفاقات واحد را با دو شیوه روایت متفاوت بیان می‌کنند. نکتهٔ جالب کتاب آسارگین این است که فصل‌های کوتاه دارد و بخشی از داستان از زبان اشیا و حیوانات روایت می‌شود. راوی مرتب تغییر می‌کند و همین موضوع، زاویهٔ دیدهای متفاوت و گاه دور از ذهنی را به خواننده می‌دهد؛ مثلاً برخی از صحنه‌های جنگ را از دیدگاه مورچه‌ها روایت می‌کند. این مسأله و ویژگی شاخص سبکی آسارگین است.»

گلکار دربارهٔ اینکه چرا سراغ ترجمه این رمان رفته است، گفت: «نگاه نویسنده خیلی جالب است و شبیه نویسنده‌های کلاسیک روس حرف می‌زند. او معتقد است هر اتفاقی که برای یک مملکت می‌افتد و زندگی مردم عادی را از مسیر خود خارج می‌کند، اتفاق بدی است، حال می‌خواهد انقلاب و جنگ باشد یا می‌خواهد قحطی باشد و وظیفه افراد در برابر این اتفاقات این است که سعی کنند، زندگی طبیعی خود را ادامه دهند و تسلیم شرایط غیرطبیعی و بحرانی نشوند. اولین کار مردم بعد از اتفاقات باید این باشد که به زندگی عادی خود برگردند. به نظرم نگاه جالبی است. تصمیم‌هایی که قهرمانان داستان می‌گیرند و موقعیت‌های اخلاقی که قهرمان رمان با آنها مواجه می‌شود، می‌تواند آموزنده باشد.»

این مترجم دربارهٔ اینکه آیا این رمان روایتی از زندگی واقعی نویسنده است، گفت: «خیلی از وقایع کتاب حالت اتوبیوگرافیک (زندگی‌نامه خودنوشت) دارد؛ وقایعی که برای نویسنده زمانی که در روسیه بوده، اتفاق افتاده است. البته در مؤخرهٔ کتاب به این اتفاقات اشاره کرده‌ام و برای اینکه ماجرا لو

گروه فرهنگی: ناصر مسعودی خواننده بزرگ و مردمی گیلان و ایران، مشهور به «بلبل گیلان» پس از چند ماه بیماری و بر اثر کھولت سن شامگاه چهارشنبه ۵ آذر در ۹۰ سالگی در بیمارستان آریای رشت درگذشت. تدفین و تشییع استاد ناصر مسعودی ساعت ۱۵ شنبه ۸ آذر در محل آرامگاه میرزا کوچک‌خان محلهٔ سلیمان‌داراب رشت برگزار می‌شود. ناصر مسعودی هنرمندی بود که موسیقی گیلکی با نام او در ذهن مردم ایران پیوند یافته است. او صدایی سرشار از سرزندگی داشت و یادآور جنگل‌های سرسبز، شالی‌های برنج، بازارهای روز و هفتگی شهر باران بود. مسعودی، پس از فریدون پوررضا، دیگر موسیقی‌دان و خوانندهٔ نامدار فولکلور گیلکی که سال ۱۳۹۱ درگذشت، تنها پلایدار آواز موسیقی ایرانی با زبان گیلکی بود. او با «میرزا کوچک‌خان» (چقدر جنگلا خوسی)، «بنفشه» و بازخوانی «گل یامچال» به شهرت رسید. آثار او برگرفته از زبان و زندگی روزمره مردم و ورد زبان همشهریانیش نیز بود. مسعودی نه تنها در خطه شمال کشور که در سطح ملی و بین‌المللی هم شناخته شد.

علاقه‌مندی به موسیقی

ناصر مسعودی متولد ۵ فروردین ۱۳۱۴ در محلهٔ صیقلان رشت بود. دوران کودکی او در شرایط مغشوشی گذشت. در آن زمان متفقین در ایران بودند. مسعودی در سه سالگی، پدر خود را از دست داد و به همراه خانواده به محلهٔ تکیه سوخته رشت نقل مکان کرد. مسعودی از همان کودکی به موسیقی علاقه داشت و در گشت‌وگو دربارهٔ چگونگی بروز این علاقه گفته بود: «از کودکی به موسیقی علاقه داشتم اما موسیقی، فضای بسته‌ای داشت و جز رادیو که آن هم در اختیار تعداد معدودی از خانواده‌ها بود، فرستنده زیادی وجود نداشت اما این شرایط چیزی از عشق من به موسیقی کم نمی‌کرد و در این میان، دوستان و خواهرم مشوقان اصلی من بودند. از هفت، هشت سالگی ترانه‌هایی که می‌شنیدم، می‌خواندم. در آن زمان منوچهر همایون‌پور خواننده نامداری بود و صدایش را خیلی دوست داشتم و علاوه بر او از صدای خوانندگانی همچون قاسم جیلی و منوچهر شفیعی الهام می‌گرفتم. کودکی من دوران بسیار سختی بود اما من با همه سختی‌هایی که وجود داشت، مدام به دنبال فرصتی برای خواندن می‌گشتم. می‌توانم بگویم در جوانی، خودتعلیم بودم و هر صدایی که می‌شنیدم، تعقیب می‌کردم. با یک عده از دوستانم به باغ محترم (پارک شهر فعلی) می‌رفتم و با هم تمرین می‌کردیم. زمان ما کوچه باغی خواندن خیلی متداول بود و ما با هم زمزمه می‌کردیم.»

آموزش موسیقی در تهران

ناصر مسعودی سال ۱۳۲۸ به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد. برادر او در کارگاه کشش‌دوزی کار می‌کرد و ناصر نیز به او کمک می‌کرد.

گفت و گو

خاموشی بلبل گیلان

ناصر مسعودی خواننده بزرگ و مردمی درگذشت

مسعودی بعدها تجربه خیاطی، زرگری و نجاری هم پیدا کرد. با وجود علاقه به موسیقی توانست به کلاس‌های علی اکبرخان شهنازی راه پیدا کند. مسعودی در این باره گفته است: «در خیابان ششاه‌آباد تهران استاد «صبا» کلاس موسیقی داشت اما امکان شرکت در آن‌ها را نداشتم. چون نه از نظر مالی شرایطش را داشتم و نه کسی را می‌شناختم که معرفی به صبا باشد اما یکی از دوستانم به کلاس‌های استاد شهنازی می‌رفت. یک بار که در کلاس‌های دوستم شرکت داشتم، خانمی ویولن نواخت و من آواز خواندم. در همان لحظه، استاد شهنازی به اتاق آمد و بعد از آن به من اصرار کرد که بروم و در کلاس‌هایش شرکت کنم. استاد شهنازی همیشه مرا بسیار تشویق کرد. مدتی نیز از من خواست تا زمان تمرین شاگردانش برای‌شان بخوانم که پنجه‌های‌شان روان شود. البته فرصت زیادی برای این کار نداشتم. یک بار هم وقتی که قطعهٔ «دوش دیدم که ملانک در میخانه زند» را برای‌شان اجرا کردم، گفت تحریر و صدایم خوب است اما تاکید کرد که ایرانی بخوانم.»

خواننده رادیو گیلان

مسعودی سپس سال ۱۳۳۴ به گیلان بازگشت و در رشتهٔ تئاتر فعالیت کرد. او هم‌زمان با آغاز به کار رادیو گیلان در سال ۱۳۳۶ به این رادیو پیوست و به عنوان یکی از نخستین خوانندگان آن به اجرای برنامه پرداخت. در این باره گفته: «از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۹ در رشت ساکن بودم. سال ۱۳۳۶ رادیو رشت افتتاح شد و جزو نخستین کسانی بودم که در این رادیو به اجرای برنامه پرداختم. همواره رادیو را بسیار دوست داشتم. در آن زمان تئاترهای بسیاری در رشت اجرا می‌شد که بیشتر وارثه‌هایی همچون لیلی و مجنون یا یوسف و زلیخا بودند. در همان تئاتر با مرحوم نادر گلچین آشنا شدم که صدای بسیار زیبایی داشت. او هم، گیلکی می‌خواند اما خیلی کم. سال ۱۳۳۸ تئاتری که ما در آن فعالیت می‌کردیم، فروخته شد و دیگر در تئاتر نخواندم. چون گویش فارسی‌ام خوب بود و همواره به من نقش‌های پیرمردها را می‌دادند و در نتیجه مجبور بودم صدایم را تغییر دهم که به حنجره‌ام فشار می‌آمد.»

در برنامه «گل‌ها»

مسعودی در ادامه فعالیت‌های خود، سال ۱۳۳۹ به احمد عبادی و ملوک ضرابی معرفی شد؛ آشنایی‌ای که از مهم‌ترین رویدادهای زندگی هنری‌اش به شمار می‌رود و تأثیر بسزایی بر مسیر حرفه‌ای او داشت و مسعودی را به عنوان یکی از خوانندگان رادیو و برنامه «گل‌ها» تثبیت کرد. این خواننده دربارهٔ آشنایی خود با احمد عبادی گفته: «یک‌بار یکی از

آلفرد یعقوب‌زاده در گفت‌وگو با سازندگی مطرح کرد:

دنبال در دسر نیستم

آلفرد یعقوب‌زاده، عکاس بین‌المللی ایرانی پس از ۱۶ سال به ایران آمده است. او در تمامی این سال‌ها اخبار ایران را دنبال می‌کرده و چندان هم از فضای کشورش جدا نبوده است. در این سال‌ها اتفاقات زیادی در کشور رخ داده که می‌توانست برای او به عنوان یک عکاس بین‌المللی جذاب باشد اما او می‌گوید در طول تمامی این سال‌ها علاقه‌ای به عکاسی بدون مجوز نداشته و دوست دارد به راحتی و با فراغ بال به عکاسی بپردازد تا به دور از هرگونه نگرانی و استرس، کار خود را انجام دهد و عکس‌های مورد علاقه‌اش را بگیرد.

یعقوب‌زاده در این باره می‌گوید: در ایران در این سال‌ها اتفاقات زیادی رخ داد مثل حوادث طبیعی امن من زلزله را اصلاً دوست ندارم؛ یک عده انسان می‌میرند و خرابی بسیاری به‌وجود می‌آید اما از من چه کاری برمی‌آید؟ عکاسی هم در چنین صحنه‌هایی هیچ خلأیتی ندارد. تا حالا از سه زلزله عکس گرفته‌ام: در ایران، گلباف و رودبار؛ در ترکیه و در پاکستان هم بودم اما عکاسی در این موقعیت برام خیلی دلپذیر نیست. زلزله ترکیه خیلی بد بود. در اتاقم بودم که زلزله آمد و در خواب فکر کردم، روی کشتی هستم. به خود آمدم دیدم کشتی نیست؛ چشم‌هایم را باز کردم، دیدم همه چیز دارد روی سرم می‌ریزد. بعد رفتم از زلزله عکس گرفتم؛ واقعاً خیلی دردناک بود. اما حقیقتش را بخواهید، نمی‌توانم بدون مجوز عکس بگیرم. برای چه خودم را به دردسر بیندازم؟ چراکه عکاسی بدون مجوز اذیتم می‌کند.

یعقوب‌زاده در پاسخ به اینکه انتخابات ریاست جمهوری و حواشی‌اش در ایران هم برای او جذابیت ندارد، می‌گوید: این اتفاقات فقط در صورتی برای من جذاب خواهد بود که آن شخصیت از نظر بین‌المللی شناخته شده باشد. مثلاً زمانی که احمدی‌نژاد انتخابات داشت چون خیلی سروصدا کرد، جالب بود.



عکس: مهدی حسینی



سال هشتم شماره ۲۱۲۴
شنبه ۸ آذر ۱۴۰۴

دیدگاه: یادداشت روز

وقتی تهران بلید رانر می شود

نگاهی سینمایی به تهران آلوده



مهرزاد دانش

منتقد

خصوصیت سوم، زمان متوقف‌شده و زندگی حداقلی است. یکی از ترفندهای همیشگی کارگردانان آثار آخرازمانی، نشان دادن روزمرگی‌های معلق است: آدم‌هایی که هنوز به کار می‌روند، خرید می‌کنند، بچه‌هایشان را به مدرسه می‌برند اما همه چیز زیر سایه یک فاجعه دائمی تداوم دارد. تهران این روزها دقیقاً همین است. کلاس مدارس مجازی تشکیل می‌شود، در دانشگاه‌ها به صورت آنلاین آموزش داده می‌شود، ادارات نیمه‌تعطیل هستند و عموم کارمندان در دورکاری به سر می‌برند اما هنوز صف نان سنگک ساعت ۶ صبح تشکیل می‌شود و هنوز پیک موتوری با ماسک وسط ترافیک می‌پیچد. این پارادوکس زندگی عادی در دل آخرازمان همان چیزی است که فیلم‌های آخرازمانی با هزار زحمت می‌سازند اما اکنون در تهران بی‌هیچ دشواری در اختیار دوربین واقعی چشمان نظاره‌گر ما شهروندان است.

ویژگی بعدی، رنگ غالب قاب است. پالت رنگی فیلم‌های آخرازمانی معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شود: یا آبی/خاکستری سرد هستند و یا نارنجی/قهوه‌ای گرم و خفه‌کننده. تهران این روزهای ما، نسخه ترکیبی هر دو را دربردارد: صبح زود، آبی مرده‌ای را می‌بینیم که به سرعت به قهوه‌ای غلیظ تبدیل می‌شود. هیچ فیلم‌سازی جرأت نمی‌کند این‌قدر رنگ را کثیف کند؛ چون تماشاگر فکر می‌کند، لنز دوربین کثیف است. اما در پایتخت ما، تهران، این کار با کمال دقت انجام پذیرفته است.

ویژگی دیگر فیلم‌های گونه آخرازمانی، صداگذاری‌هایی است که معمولاً با موسیقی‌های مینی‌مال یا سکوت مطلق شکل می‌گیرد اما تهران امروز، یک ساندترک واقعی دارد: سرفه‌های خشک زنجیره‌ای در اتوبوس و مترو و معابر.

شاید البته بزرگ‌ترین تفاوت تهران کنونی با فیلم‌های آخرازمانی این باشد که در سینما معمولاً در دقیقه ۹۰ یک قهرمان، یک واکسن، یک سفینه یا یک معجزه ظاهر می‌شود اما در تهران امروز، انگار با یک پایان باز واقعی مواجهیم: هیچ تیترا بی‌نریشنی نمی‌آید که بگوید: «دو سال بعد هوا پاک شد». و فقط یک اعلان جدید هواشناسی است که می‌گوید: «تا فلان مقطع زمانی، وارونگی دما و آلودگی سسمی ادامه دارد». و این همان پایان‌بندی تلخی است که حتی جسورترین کارگردانان ژانر هم از ساختنش ابا دارند چون تماشاگر را عصبانی می‌کند.

تهران این روزها نه شبیه یک فیلم آخرازمانی که خودش یک فیلم آخرازمانی کامل است: بدون بازیگر، بدون گریم و بدون بودجه، حتی انگار آن کله‌ها و صورت‌هایی از بازیگران که روی پوستر و پلاکارد ساختمان سینماها جابخش کرده‌اند به ما شهروندان دودزده زل زده‌اند و قصه آخرازمانی ما را تماشا می‌کنند. ... و می‌دانید بدترین بخش ماجرا چیست؟ هنوز درِ خروج از سالن نمایش فیلم را باز نکرده‌اند.

تاکنون فیلم‌ها با سریال‌های زیادی که آلودگی هوا را به عنوان نمادی از نابودی بشر در نظر گرفته‌اند و در آنها نفس کشیدن به یک مبارزه روزانه تبدیل می‌شود، دیده‌ایم؛ مانند فیلم آ‌ی‌او (جانانان هالپرث، ۲۰۱۹) که در آن جو زمین به دلیل تغییرات آب و هوایی شدید، سمی شده و انسان‌ها مجبور به ترک سیاره شده‌اند و شخصیت اصلی (با بازی مارگارت کوالی) در ارتفاعات بالا زندگی می‌کند و با ماسک اکسیژن نفس می‌کشد، یا فیلم هوا (کریستین کانتامسا، ۲۰۱۵) که در آن پس از یک فاجعه بیوشیمیایی، هوا غیرقابل تنفس شده و بازماندگان در پناهگاه‌های زیرزمینی به خواب مصنوعی فرو رفته‌اند و یا سریال پرطرفدار سیلو که در آن دنیایی زیرزمینی وجود دارد که نزد ساکنانش، هوا در سطح زمین سمی و غیرقابل تنفس تصور می‌شود. ساکنان در سیلوهای بسیار بزرگ زندگی می‌کنند و خروج به بیرون با لباس‌های محافظ انجام می‌شود.

وقتی اواخر هفته قبل، گزارش‌هایی جهانی اعلام کردند که تهران در صدر فهرست آلوده‌ترین شهر کره زمین است، گویی هیچ‌کس تعجب نکرد؛ فقط حس کردیم داریم داخل یک فیلم ژانر پساآخرازمانی زندگی می‌کنیم که حتی دیگر نیازی به جلوه‌های ویژه ندارد. این دقیقاً همان تصویری است که سینمای آخرازمانی ۵۰ سال اخیر بارها برپایان ترسیم کرده بود فقط بدون زامبی، بدون ویروس ساختگی و بدون قهرمان عضلانی.

فیلم‌های آخرازمانی همیشه چند عنصر کلیدی دارند که تهران این روزها همه‌شان را هم‌زمان به نمایش گذاشته است:

نخستین شمایل، محو شدن خط افق است. اکنون در تهران، برج میلاد در فاصله ۵ کیلومتری ناپدید شده است. رشته‌کوه البرز که ۴۰ سال پیش حتی از جنوب شهر هم دیده می‌شد حالا افسانه‌ای است که فقط در عکس‌های قدیمی باور می‌کنیم. دید آفتی زیر ۳۰۰ متر، تکنیک بصری‌ای است که فیلم‌سازها با اسموک‌ماشین و فیلترهای سنگین می‌سازند؛ اما حالا در تهران بدون هیچ هزینه تولیدی این کار انجام شده است.

ویژگی دوم فیلم‌های آخرازمانی، شمایل انسان‌های ماسک به صورت است: آن سان که گویی ماسک تنفسی، جایگزین چهره آدمیزاد شده است. امروز در متروی تهران، کمتر کسی، کس دیگری را می‌شناسد. ماسک تبدیل به بخشی از هویت بصری شهروندان شده است؛ درست مثل عینک آفتابی شخصیت‌های ماتریکس یا کلاه کابویی قهرمانان وسترن اسپاگنی. فقط اینجا ماسک، نه برای با حال بودن بلکه برای زنده ماندن است.



با استادان تراز اولی چون جلیل شهناز، اصغر بهاری، فرهنگ شریف، رضا ورزنده، منصور صارمی، محمد موسوی و امیرناصر افتتاح، موسیقیدانان برجسته‌ای همچون مرتضی حنانه، مهدی خالدی، فریدون ناصری، فرهاد فخرالدینی، مجید درخشانی، اسفندیار منفردزاده، علی اکبرپور، ناصر تبریزی، حسین صمدی و شاعرانی همچون سیمین بهبهانی، نوذر پرنگ، نواب صفا، تورج نگهبان، تیمور گورکین، ماهدخت مخبر و شیون فومنی و بسیاری دیگر از چهره‌های مطرح موسیقی ایران همکاری داشته است. از مشهورترین آثار مسعودی پیش از انقلاب می‌توان به «بنفشه‌گل»، «دیوانه‌ام»، «الله‌تی‌تی»، «نفرین بر مستی» و «مسافر» اشاره کرد. همچنین آلبوم‌های «قلندر»، «پرچین» و «کوراوشیم» از جمله آثار او پس از انقلاب هستند. «گل پامچال» نیز از آثار مشهور مسعودی است که بازخوانی کرده است، «گل پامچال» نام ترانه‌ای گیلکی در آواز دشتی است که حدود سال ۱۳۲۰ توسط سیدجعفر مهرداد سروده شده است. این اثر نخستین بار توسط یکی از محصلین دبیرستان شاهپور (رشت) در جشنی به مناسبت «تأیید ملی شدن نفت در سراسر کشور از طرف مجلسین شورا و سنا» در آستانهٔ نوروز ۱۳۳۰ اجرا شد. «گل پامچال» هم‌آهنگ «تصنیف جنگل» است که به دست فراموشی سپرده شده بود، این آهنگ متأثر از زمزمه‌هایی بود که اهالی گیلان به خصوص روستاییان زمینه بسیار پذیرایی از گوشه‌های آن داشتند. «گل پامچال» توسط مسعودی سپس خوانندگان دیگری از جمله ییزن ییزنی، بازخوانی و اجرا شده است.

نخستین کنسرت مسعودی پس از انقلاب در ایران در ابتدای دههٔ ۸۰ در تالار وحدت و با همراهی ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی بود. بعدها این هنرمند سسال ۱۳۹۵ پس از چند دهه دوری از صحنه، برای نخستین بار در زادگاهش رشت، کنسرت بزرگی برگزار کرد که با استقبال گسترده مردم روبه‌رو شد. مسعودی از نخستین چهره‌های موسیقی بود که پس از انقلاب در خارج از کشور کنسرت‌هایی برگزار کرد. پس از آن تا دههٔ ۱۳۹۰ چند آلبوم ماندگار منتشر کرد که آلبوم «حالا چرا» با همکاری مسعود لاهیجی و مجید درخشانی در جشنواره «موسیقی ما» جایزهٔ بهترین آلبوم موسیقی سنتی سال را نصیب او کرد.

بازنشستگی دارم. اگر بخواهم زندگی را تغییر بدهم، نمی‌توانم به راحتی تصمیم‌گیری کنم اما ممکن است هم این اتفاق پیش بیاید. می‌دانید ممکن است فردا وضع سیاسی فرانسه خراب‌تر شود که دارد خراب می‌شود. الان مهاجران در این کشور آتقدر زیاد شدند که اوضاع را به هم ریختند. تعداد زیاد عرب و افغانی و سیاه آمده‌اند، اصلاً سیستم زندگی را به هم زده‌اند و دیگر آن فرانسه قدیم نیست که در ذهنم بود. اما نمی‌توانم زندگی خانواده‌ام را به خاطر نوستالژی خودم از بین ببرم. می‌دانید باید واقع‌بین باشم؛ و به خودم می‌گویم، تو نمی‌توانی با سرنوشت دیگران بازی کنی».

دوستان خواهرم در تهران مرا به خانه‌شان دعوت کرد و گفت، استاد عبادی هم هست. تا آن زمان او را از نزدیک ندیده بودم اما صدای سازش را شنیده و صدایش را خیلی دوست داشتم. در مهمانی، آقای عبادی به من گفت بخوان و بعد گفت چه می‌خوانی. با این‌که آن زمان جوان بودم با اعتماد به نفس گفتم «هر چه شما بنوازید.» او نواخت و من آواز «گرچه مستیم و خرابیم، چو شب‌های دیگر، باز کن ساقی مجلس سر مینای دیگر» را خواندم. استاد عبادی خیلی خوشش آمد. از من پرسید که آواز را کجا کار کردم. گفتم خیلی مختصر کلاس آقای شهنازی می‌رفتم اما بیشتر از راه گوش یاد گرفته‌ام. به خانم ملوک ضربایی زنگ زد و به من گفت، پشت تلفن برای‌شان بخوانم. قطعه‌ای در شور خواندم و خانم ضربایی بسیار از آن استقبال کرد. بعد که تمام شد به آقای عبادی گفت، این جوان را ببر رادیو و استاد هم گفت خودم هم چنین نظری داشتم. آقای عبادی استادی بسیار متین و صمیمی بود و در فرصت‌های مرخصی سربازی به من می‌گفت به منزلش بروم و با هم کار کنیم. استاد عبادی بعد از مدتی مرا نزد آقای پیرنیا برد، او ساز زد و من «بنفشه گل» را خواندم. بعد از آن آقای پیرنیا گفت «با اجازه استاد عبادی، اگر این تصنیف را با ورزنده کار کنی، خوبتر است.» من البته برنامه‌های بسیاری نیز با استاد عبادی اجرا کردم که از جمله آن‌ها «چند برگ سبز» است. استاد روح‌الله خالقی نیز از من حمایت بسیار کرد و بانی نخستین سفرم به روسیه برای اجرای کنسرت بود. او مرا به همراه نوازندگانی بزرگ به روسیه فرستاد و قرار شد، قطعات محلی بخوانم.»

اجرای کوچک جنگلی

مسعودی پیش از انقلاب برای معرفی موسیقی ایران و گیلان، کنسرت‌های متعددی در کشورهای مختلف برگزار کرد. او پس از انقلاب پس از یک دهه با خواندن تیتراژ سریال «کوچک جنگلی» با شعری از سیدجعفر مهرداد (از لایه‌های گیلان)، آهنگ‌سازی و تنظیم سیدمحمد میرزمانی در نیمهٔ دوم دهه ۱۳۶۰ فعالیت خود را دوباره آغاز کرد. زندیاد مسعودی دربارهٔ اجرای قطعهٔ «کوچک جنگلی» (چقدر جنگلا خوسی) گفته: «زمانی که سریال «میرزا کوچک خان» ساخته شد، فرد دیگری آن قطعه را اجرا کرده بود. تعدادی از بزرگان گیلان به من گفتند «شما چرا این قطعه را نخواندید؟» گفتم خودم که نمی‌توانم چنین پیشنهادی را مطرح کنم. بعد از مدتی آقای بهروز افخمی به من زنگ زد و این قطعه را اجرا کردم. آقای میرزمانی به خانهٔ ما آمد و چند بار تمرین کردیم. این قطعه بُت نداشت اما خانم «هوشمند» ملودی آن را بلد بود و سرانجام این قطعه اجرا شد. بعد از آن سریال بود که من چند آلبوم (گیلکی و سنتی) منتشر کردم.»

اجرای بیش از ۵۰۰ اثر

ناصر مسعودی طی بیش از ۵۰ سال فعالیت هنری، بیش از ۵۰۰ اثر در سبک‌های مختلف موسیقی از جمله بیش از ۲۰۰ آهنگ فارسی ارکسترال، سنتی و پاپ، حدود ۵۰ آواز با همکاری بزرگانی همچون احمد عبادی، جلیل شهناز، اصغر بهاری، فرهنگ شریف، رضا ورزنده و سایر نوازندگان موسیقی سنتی ایران در برنامهٔ «گل‌ها» (در قالب «برگ سبز»، «شاخه گل»، «گل‌های صحرائی» و «گل‌های تازه») اجرا کرده اما مهم‌ترین دلیل شهرت مسعودی، اجرای بیش از ۲۵۰ ترانه محلی گیلکی است که آهنگ برخی از ماندگارترین قطعاتش از ساخته‌های خود اوست. در این مسیر او

اما یکی از تجربه‌های مشابه او در این زمینه، عکاسی از بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر فقید پاکستان بود. یعقوب‌زاده در این باره می‌گوید: یکی از انتخاباتی که خیلی روی آن کار کردم، انتخابات بی‌نظیر بوتو بود؛ چون اولین زن مسلمان بود که نخست‌وزیر شد. حتی اولین بار که می‌خواستند، ترورش کنند و موفق نشدند من همچنان همراهش بودم. درواقع از روزی که نخستین‌بار از تبعید انگلستان برگشت و کار سیاسی‌اش را شروع کرد، من همراهش بودم، بعد نخست‌وزیر شد. او همیشه به من می‌گفت، من را می‌کشند و پیش‌بینی‌اش هم درست بود. زمانی که ترور ناموفق او اتفاق افتاد، من در اتوبوس محافظانش بودم. دیدم یک ماشین به طور مشکوکی حرکت می‌کند. رفت جلوتر و منفجر شد. حدود ۷۰ نفر کشته شدند. کمی طول کشید تا خودم را به آنجا برسانم. بعد فرار کردم و آدمم طرف اتوبوس. بادیاگرها همه فرار کرده بودند. من مانده بودم چه کنم. سریع یک موتور پیدا کردم و به او ۱۰۰ دلار دادم که مرا به خانه ببرد. وقتی دوباره می‌خواستم برای عکاسی از او بروم به من ویزای پاکستان نمی‌دادند. زمانی ویزای من صادر شد که تصاویری از تشییع جنازه‌اش از تلویزیون پخش می‌شد. او که به دعوت جشنواره جهانی فیلم فجر به ایران آمده، برگزاری این رویداد را برای ایران بااهمیت می‌داند و می‌گوید: برگزاری چنین رویدادی برای ایران مهم است. تمام فعالیت‌های فرهنگی برای هر کشوری لازم است. خب اینها همه جذابیت ایجاد می‌کند. برند می‌سازد، برای اقتصاد خوب است، لازم است. همیشه نمی‌شود سیاسی نگاه کرد؛ این یک فعالیت اقتصادی-فرهنگی است. کشور پیشرفت کرده و چیزهایی برای نشان دادن دارد. ایرانی‌ها از نظر فرهنگ و هنر خیلی پیشرفته هستند. اینجا بسیاری هنر‌ها از فیلم، نقاشی، موسیقی و مجسمه‌سازی واقعاً عالی است. پس باید کارشان را نشان بدهند. کسی که خوب کار می‌کند، نمی‌تواند چهار تا تابلو بکشد و بگذارد توی خانه‌اش. زمانی که رقابت هست، کیفیت کار بالا می‌رود. رقابت سالم؛ نه رقابت بازی، نه پارتی‌بازی؛ از این نظر این رقابت‌ها به پیشرفت کمک می‌کند. او که دهه ششم زندگی‌اش را می‌گذراند در پاسخ به این پرسش که علاقمند به زندگی در ایران نیست، می‌گوید: مسئله دوست داشتن نیست. بعضی مواقع شما تصمیم نمی‌گیرید؛ زندگی درباره شما تصمیم می‌گیرد. من خانواده دارم. قرار نیست از صفر شروع کنم. اینجا بیایم، کار ندارم. الان در این سن، کجا می‌خواهم بروم، کار کنم؟ آنجا حقوق



«اعظم علم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی»
مازندران

آگهی مناقصه ۳۲/م/۱۴۰۴

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران در نظر دارد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت نسبت به انجام مناقصه ایاب و ذهاب کارکنان ستاد مرکزی و مجتمع دانشگاهی پیامبر اعظم(ص)، ایاب و ذهاب کارکنان مرکز آموزشی درمانی امام خمینی (ره) ساری، نگهداری و مراقبت فضای سبز و آبیاری درختان مجتمع دانشگاهی پیامبر اعظم(ص)، حمل و بی خطر سازی زباله‌های عفونی بیمارستان امام خمینی (ره) تنکابن و شهید رجایی تنکابن و خرید تجهیزات اداری بیمارستان امام خمینی (ره) تنکابن از طریق بخش غیر دولتی اقدام نماید. از متقاضیان واجد شرایط جهت دریافت اسناد و تحویل پیشنهاد طبق برنامه زمان بندی ذیل دعوت بعمل می آید.

❖مهلت دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۱۵.

❖مهلت تحویل پیشنهاد: تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵.

❖زمان گشایش پیشنهادها: تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶.

❖ مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: به شرح مندرج در اسناد.

❖ محل دریافت اسناد و تحویل پیشنهادات: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR

به پیشنهاد های واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

نشانی: ساری- میدان امام (ره)- سه راه جویبار- ابتدای بزرگراه بسیج - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران- کد پستی: ۴۸۱۵۷۳۳۹۷۱
❖ اداره مناقصات و قراردادهای دانشگاه با شماره تلفن ۰۱۱-۳۳۰۴۴۱۰۹ و مدیریت آمار، فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه با شماره تلفن۰۱۱-۳۳۰۴۴۷۰۹ آماده پاسخگویی به سوالات می‌باشد.

ادامه یادداشت روز

تقسیم به سیاه و سفید

در طول ۳۰ سال گذشته به جز کتاب «بهار رکن چهارم» ده‌ها مقاله و گفت‌وگوی دیگر نیز در دفاع از حق آزادی بیان و آزادی اینترنت منتشر کرده‌ام اما موانع بسیار سختی برای آن وجود داشته است. بعضی از نهادها و افراد خاص از اینترنت سفید بهرمند بودند و درکی از مشکلات مردم نداشتند و برابری شهروندان در دسترسی به اینترنت آزاد را به زبان یکمنازی‌های خود می‌دانستند. عده‌ای هم به کاسب فیلترنگ تبدیل شدند و با فروش فیلترشکن به شهروندانی که حق طبیعی‌شان دسترسی آزاد بود میلیاردها تومان چپاول کردند.

در دولت روحانی به دلیل مقاومت برخی از نهادهای حکومتی، دولت تصمیم می‌گیرد اکنون که رویکرد آرمانی امکان تحقق ندارد با توسل به رویکرد واقع‌گرایانه برای عمومی کردن اینترنت آزاد، اقدام کند و گروه‌ها و اصناف دیگری را هم به آنها بیفزاید. در نتیجه به مرور در چند سال گذشته، هزاران خط سفید به دولتی‌ها، فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، برخی از اساتید دانشگاه و وکلا و بازرگانان همچنین برخی از هتل‌ها و کافی‌شاپ‌ها داده شده و به این ترتیب پدیده اینترنت طبقاتی فقط کمی توسعه پیدا کرده و شامل افراد بیشتری شد اما اکثریت شهروندان از این حق طبیعی محروم ماندند. همین تبعیض از دلایل خشم به حق مردم درباره خط سفید اینترنتی است.

در جریان جنگ ۱۲ روزه که حمله ترکیبی گسترده اسراییل با پشتیبانی آمریکا و ناتو به ایران صورت گرفت به دلیل احتمال تبدیل شدن اینترنت به بستر حملات موشکی هوشمند، دولت در وضعیت امنیتی ویژه‌ای قرار گرفت و ناگزیر از قطع یا کاهش اینترنت در حد غیرقابل بهربرداری شدن در حملات بود در نتیجه با غیبت کنشگران ایرانی از صحنه شبکه‌های اجتماعی، دشمن در آن میدان غلبه کرد از این‌رو تدبیر دولت، حذف فیلتر از خطوط عده‌ای از کنشگران رسانه‌ای و سیاسی شد و نه خط سفید که خط خاکستری داده شد که فقط برخی اپلیکیشن‌ها را باز می‌کرد. برای عده‌ای نیز بدون درخواست خودشان عملی شد و تصور می‌رفت، شروع حذف فیلترینگ و تحقق وعده رئیس‌جمهور پزشکیان در ایام انتخابات برای حق دسترسی عادلانه و برابر همگان به اینترنت باشد اما به رغم ستایش‌های زیادی که از گذشتن کردن بزرگوارانه و هوشمندی مردم از سوسی مسئولان، چنین نشد و تبعیض و اینترنت طبقاتی ادامه پیدا کرد تا اینکه لوکیشن اکانت‌ها در ایکس آشنکار شد و در آمریکا و اروپا هم پیامدهای زیادی داشت و اعتراضاتی را برانگیخت اما در ایران به خاطر تبعیض سیستماتیک، نوع اعتراضات متفاوت بود.

در جریان بحث‌های اخیر پیرامون اینترنت طبقاتی، جامعه روزنامه‌نگاران و اصحاب رسانه بیش از همه مظلوم واقع شدند زیرا حق دسترسی به اینترنت آزاد، بنیان شغلی آنها را تشکیل می‌دهد و سلب این دسترسی موجب نقصان وظیفه آنها در اطلاع‌رسانی به مردم می‌شود ولی به خاطر اینکه بخشی از آنها از این امتیاز برخوردار بودند این‌طور القا و یا تصور شد که همه آنها از اینترنت بدون فیلتر برخوردار بودند.

البته افراد یا جریاناتی که خودفاندبگیر دولت‌های خارجی هستند هم سوار موج رنجش به حق شهروندان شدند اما آنها با این موج‌سواری‌ها، تطهیر شدنی نیستند. در غرض‌ورزی‌شان همین بس که از میان هزاران نفر به انگشت‌شماری چسبیدند که مدت کوتاهی بود آن هم بدون درخواست و اطلاع خود از خط تلفن‌شان، رفع فیلتر کرده بودند و حتی بعد از اینکه اعلام کردند، نه خط سفید که خاکستری داده بودند و چون دهها سایت و کانال دیگر فیلتر بود و با خط خاکستری هم باز نمی‌شد برای مراجعه به آنها مجبور به استفاده از فیلترشکن بودند، هدف تخریب قرار گرفتند. در این میان از آن فاندبگیران پرخاشسگر، بدتر کسانی بودند که در سال‌های اخیر از خط سفید برخوردار بودند و هیچگاه موضع‌گیری علیه فیلترینگ و در دفاع از اینترنت آزاد از آنها مشاهده نشد با این حال برای پنهان کردن حقیقت، علیه خط سفید سخن گفتند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

اصلاحاتی غیر از قیمت

جز اصلاح قیمت انرژی چه سیاست‌هایی باید اصلاح شود؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

سیاست‌های فعلی بازار انرژی با اشکالات جدی و ساختاری مواجه است. استمرار سیاست‌های رفاهی مبتنی بر قیمت‌گذاری یارانه‌ای، کشور را به نقطه‌ای رسانده که نه تنها امکان ادامه این مسیر وجود ندارد بلکه پیامدهای آن به‌صورت بحران‌های پی‌درپی در تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری و حتی امنیت انرژی بروز پیدا کرده است. پرسش اصلی این است که آیا تنها راه‌حل، اصلاح قیمت‌هاست؟ اقتصاددانان معتقدند که پاسخ منفی است؛ اصلاح قیمت‌ها شرط لازم است اما کافی نیست. مجموعه‌ای از اصلاحات نهادی، نظارتی، فنی و ساختاری باید در کنار تعدیل قیمت‌ها انجام شود اما بی‌تردید قیمت، رکن اصلی و ستون فقرات هر سیاست پایدار انرژی است.

در تحلیل وضعیت کنونی، چند شاخص ساده و قابل فهم وجود دارد تا ارزیابی کنیم آیا قیمت‌گذاری موجود به رفاه عمومی کمک می‌کند و آیا از نظر اقتصادی و مالی پایدار است یا خیر. نخستین شاخص، میزان جذابیت سیاست انرژی برای سرمایه‌گذاری جدید است. آیا سیاست فعلی مشوق ساخت نیروگاه‌های جدید، توسعه زیرساخت انتقال و توزیع یا ورود سرمایه‌گذار خارجی است؟ آیا نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های موجود، توجیه اقتصادی کافی برای نوسازی و نگهداری دارند؟ پاسخ به روشنی، منفی است. نه سرمایه‌گذاران داخلی انگیزه‌ای برای ورود دارند و نه سرمایه‌گذار خارجی در چنین شرایط مبهم و غیرقابلنی حضور می‌یابد. شاخص دوم به تفاوت قیمت حامل‌های انرژی در داخل و خارج کشور مربوط است؛ به‌خصوص در مورد کالاهای قاچاق‌پذیر. آیا اختلاف قیمت، معنی‌دار و سوسه‌کننده است؟ آیا شواهدی از قاچاق سازمان‌یافته وجود دارد؟ پاسخ این بار مثبت است. قیمت‌های غیرواقعی، انگیزه‌ای قوی برای خروج بی‌ضابطه سوخت و انرژی ایجاد کرده و پدیده قاچاق را از سطح خرد به کارتل‌های بزرگ و سازمان‌یافته رسانده است؛ پدیده‌ای که نه‌تنها ثروت ملی را هدر می‌دهد بلکه امنیت اقتصادی و مرزی را نیز تهدید می‌کند. شاخص سوم ناظر بر پایداری عرضه و تقاضاست. آیا عرضه انرژی با رشد تقاضا همخوانی دارد؟ آیا کشور می‌تواند در تمام فصول پاسخ‌گوی نیاز مردم و صنایع باشد؟ پاسخ باز هم منفی است. رشد مصرف افسارگسیخته در کنار نبود سرمایه‌گذاری کافی، کشور را در آستانه کمبودهای دوره‌ای گاز، برق و حتی فرآورده‌های نفتی قرار داده و فشار جدی بر شبکه‌های تولید و انتقال وارد کرده است. در شاخص چهارم به تخصیص منابع زیرزمینی توجه می‌شود. بخش بزرگی از ذخایر ارزشمند نفت وگاز به مصرف انرژی ارزان اختصاص می‌یابد، در حالی که سهم هزینه انرژی در سبد خانوار و هزینه تولید به‌طور نسبی بسیار پایین است. پرسش

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

به سادگی می‌توان درک کرد که چرا سیاستمداران طرفدار افزایش حداقل دستمزد هستند. آنها که کمبود پول نقد دارند اما علاقه‌مند هستند با نابرابری‌ها مبارزه کنند، به ابزاری برای بازتوزیع متوسل می‌شوند که هزینه اندکی برای دولت‌ها دارد و نظر رای‌دهندگان را هم جلب می‌کند. از نظر اقتصاددانان افزایش شدید حداقل دستمزد نوعی موفقیت تلقی می‌شود. آنها که ابتدا نسبت به این موضوع بدبین بودند در آغاز هزاره جدید آن را پذیرفتند و چنین استدلال کردند که برخلاف انتظار، افزایش کف دستمزد‌ها، مشاغل را از بین نمی‌برد. تجربه دو دهه گذشته یافته‌های آنان را تأیید می‌کند. با این حال درست در زمانی که دولت‌ها در این موضوع به اجماع رسیده‌اند، پژوهشگران تغییر موضع می‌دهند. تحقیقات فزاینده

این است که اگر این منابع صرف توسعه حمل‌ونقل ریلی، آموزش، بهداشت یا زیرساخت‌های فناوریانه می‌شد، آیا رفاه جامعه افزایش می‌یافت؟ پاسخ قطعاً مثبت است؛ منابع ملی در واقع به کم‌بازده‌ترین شکل ممکن مصرف می‌شود. شاخص پنجم به کارکرد مکانیسم قیمت‌ها بازمی‌گردد. آیا نظام فعلی قیمت‌گذاری باعث شده، خانوارها به خرید خودروهای برقی و هیبریدی ترغیب شوند؟ آیا تولیدکنندگان به سمت فناوری‌های بهرهورتر حرکت کرده‌اند؟ آیا شهروندان حاضر شده‌اند از دوجرخه، حمل‌ونقل عمومی یا الگوهای مصرف کم‌مصرف استفاده کنند؟ آیا مردم دمای استاندارد ۱۸ درجه در زمستان و ۲۴ درجه در تابستان را رعایت می‌کنند؟ پاسخ تمام



این پرسش‌ها منفی است. در مجموع، مجموعه این شاخص‌ها نشان می‌دهد سیاست انرژی در ایران نه پایدار است، نه عادلانه و نه کارآمد. قیمت‌گذاری کنونی نه به بهینه‌سازی مصرف منجر شده، نه سرمایه‌گذاری جدید ایجاد کرده و نه از منابع ملی به شکل درست محافظت کرده است. حل این وضعیت نیازمند اصلاحات اساسی، شفاف‌سازی بازار انرژی، هدفمندسازی حمایت‌ها، ارتقای فناوری و قطع رانت‌هایی است که سال‌هاست، اقتصاد انرژی را از مسیر توسعه دور کرده‌اند.

اثر مصوبه اخیر

مصوبه اخیر دولت درباره تعدیل قیمت بنزین در چارچوب بحران عمیق بازار انرژی، نه از نظر بودجه‌ای، نه از نظر مدیریت مصرف و نه از منظر عدالت توزیعی قادر به تغییر مسیر موجود نیست. این مصوبه تنها شکافی ۲۰۰۰ تومانی میان قیمت سهمیه دوم و کارت جایگاه ایجاد می‌کند؛ شکافی که با هدایت طبیعی

مصرف‌کنندگان به سمت سهمیه دوم عملاً درآمد اضافی دولت را به حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان در سال محدود می‌کند؛ رقمی که در برابر کسری بودجه ساختاری و رقم عظیم یارانه‌های پنهان انرژی تقریباً ناچیز است. بنابراین انتظار اینکه این اقدام نقطه آغاز اصلاحات بزرگ تلقی شود، واقع‌بینانه نیست.

از منظر رفتارسازی انرژی نیز تغییری رخ نمی‌دهد. تجربه نشان می‌دهد، مصرف‌کننده در برابر اختلاف ناچیز قیمت، الگوی مصرف خود را اصلاح نمی‌کند؛ بلکه تنها روش دسترسی به بنزین ارزان‌تر را تغییر می‌دهد. بنابراین نه شدت مصرف کاهش می‌یابد، نه انگیزه‌ای برای استفاده از فناوری‌های کم‌مصرف‌تر، خودروهای برقی، یا تغییر شیوه سفر شهری ایجاد می‌شود. حتی ممکن است شکل‌گیری بازار سیاه سهمیه مازاد، پیامد ناخواسته دیگری باشد که خود به ناکارآمدی بیشتر منجر می‌شود. از زاویه عدالت اجتماعی نیز مصوبه با پرسش‌های جدی روبه‌روست. تخصیص ندادن سهمیه به خودروهای نوپلاک پس از آذر، درحالی‌که خودروهای قدیمی با مصرف بیشتر همچنان سهمیه دارند، نوعی بی‌قاعدگی آشکار است. خودروهای نوپلاک وارداتی با تولید داخلی نیز به‌طور نامهاهنگ مشمول حذف سهمیه شده‌اند. این تصمیم‌ها نه تنها از منظر عدالت قابل دفاع نیستند بلکه به فرسودگی ناوگان، کاهش انگیزه نوسازی خودرو و نارضایتی اجتماعی منجر می‌شوند. با این حال پرسش اصلی این است: آیا این مصوبه می‌تواند آغاز پایان وضعیت نگران‌کننده فعلی باشد؟ پاسخ کوتاه این است که تنها در صورتی که بخشی از یک بسته اصلاحی بزرگ‌تر، شفاف و مبتنی بر اجماع عمومی باشد. اما در شکل کنونی، نه‌تنها چنین قابلیتی ندارد بلکه ممکن است سرمایه اجتماعی لازم برای اصلاحات واقعی را کاهش دهد. بازار انرژی ایران در نقطه‌ای قرار دارد که ادامه روند فعلی از نظر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، پایداری عرضه و کنترل قاچاق ناممکن شده است. شکاف عظیم قیمت میان داخل و کشورهای همسایه، سرمایه‌گریزی در بخش انرژی، فرسودگی نیروگاه‌ها، ناترازی برق و گاز و رشد تقاضای بی‌ضابطه در کنار شدت انرژی بسیار بالاتر از استانداردهای جهانی، نشان می‌دهد که اصلاحات قیمتی باید بخشی از یک بسته سیاستی همزمان باشد؛ بسته‌ای که شامل توسعه زیرساخت، سیاست حمایتی هدفمند، جبران‌سازی برای دهک‌های پایین، بهبود حکمرانی انرژی، کاهش رانت و شفافیت در زنجیره تولید تا مصرف باشد. مصوبه اخیر نه از این جنس است و نه قابلیت تغییر ساختار را دارد. دولت در این تصمیم هزینه اجتماعی و سیاسی پرداخته اما نفع اصلاحی قابل‌سنجش کسب نکرده است. اگر این مصوبه مقدمه‌ای برای اصلاحات تدریجی باشد باید با شفافیت کامل، نقشه راه، زمان‌بندی، ابزار حمایتی و سازوکار مشارکت اجتماعی همراه شود. وگرنه نه‌تنها بحران انرژی پایان نمی‌یابد بلکه پیچیدتر نیز خواهد شد. به بیان دیگر پایان بحران انرژی تنها با اصلاح قیمت آغاز نمی‌شود اما بدون آن نیز آغاز نخواهد شد.

هدف جبران هزینه‌ها، قیمت‌هایشان را بالا می‌برند این فقرا هستند که بیشترین آسیب را می‌بینند. چنین آسیبی از آسیب افزایش مالیات فروش هم شدیدتر است. سیاستمداران باید مراقب این اثرات باشند. افزایش دستمزدها همیشه در نظرسنجی‌ها پرطرفدار بوده است اما همزمان رای‌دهندگان تمام مناطق از افزایش شدید قیمت‌ها و بحران استطاعت‌پذیری خشمگین می‌شوند. همیشه خطر پیدایش یک حلقه شوم وجود دارد که در آن هزینه‌های بالاتر کارفرمایان به مصرف‌کنندگان انتقال می‌یابد و زندگی را دقیقاً برای همان کارگرانی دشوار می‌کند که دولت سعی دارد به آنها کمک کند. زهران ممدانی، شهردار نیویورک وعده داده است که حداقل دستمزد را از ۱۶/۵ دلار امروز به ۳۰ دلار در سال ۲۰۳۰ افزایش دهد. این امر قیمت‌ها را به طرز چشمگیری بالا می‌برد و هزینه زندگی را در شهری بالا می‌برد که از قبل هم گران بوده است. برای کمک به افراد کم‌درآمد، راه‌های بهتری هم وجود دارد. اعتبارهای مالیاتی افراد ششاغل را بهتر می‌توان به نفع فقرا هدفمند کرد و اگر با مالیات‌های طرفدار رشد همراه شوند، آسیب کمتری به اقتصاد می‌زنند. شاید آنها جذابیت حداقل دستمزد را نداشته باشند چون هزینه‌های ناشی از رشد حداقل دستمزد پنهان می‌مانند. اما اکنون و پس از یک دهه افزایش شدید کف دستمزدی، تداوم افزایش آن عاقلانه نیست و لازم است که از آن دست برداریم.

منبع:اکنونمیست

تلاقی بحران‌ها

موج جدید بیماری‌های تنفسی؛ هشدار سرایت انفجاری و تکمیل ظرفیت اطفال

گروه اجتماعی: همزمان با فرارسیدن ماه سوم پاییز؛ نظام

سلامت کشور با موج فزاینده و تهاجمی آنفلوآنزا از نوع A، زیرگونه H۳N۲، مواجه شده است. این شیوع، که با قدرت سرایت‌پذیری بالا شناخته می‌شود، فراتر از یک اپیدمی فصلی معمولی است و فشار بی‌سابقه‌ای بر زیرساخت‌های درمانی به‌ویژه در بخش اطفال، وارد کرده است. معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ضمن تأیید تغییرات ویروس اعلام کرد که این سویه در میان اطفال تهاجمی‌تر بوده و در پی آن، ظرفیت بخش‌های بستری اطفال در برخی مناطق به سطح تکمیل رسیده است.

سویه غالب در گردش، آنفلوآنزای نوع A و زیرگونه H۳N۲ است. کارشناسان وزارت بهداشت تأکید کرده‌اند که ویژگی بارز این سویه، قدرت سرایت‌پذیری بالا و سرعت انتشار زیاد است. از منظر زیست‌شناسی ویروس، بروز تغییرات ژنتیکی سلاله در این ویروس‌های تنفسی باعث می‌شود که ایمنی مناسبی در جامعه وجود نداشته باشد. یکی از نگرانی‌های اصلی، تأثیر این تغییرات بر پاسخ ایمنی است؛ زیرا این تغییرات کوچک ویروس می‌تواند، مقدار اثرگذاری واکسن را کاهش دهد و به همین دلیل سرعت انتشار بیماری بسیار زیاد به نظر می‌رسد. شدت بیماری در این موج در برخی موارد با پاندمی‌های گذشته مقایسه شده است. علائم بالینی گزارش شده از سوی پزشکان شامل تب ناگهانی بالا و مقاوم (که معمولاً دیرتر پایین می‌آید)، سرفه‌های خشک و پی‌درپی و دردهای عضلانی و استخوانی شدیدتر از حد معمول است.

اگرچه زمان طلایی تزریق واکسن آنفلوآنزا در شهریور و

مهرماه بوده است اما با توجه به اینکه اکنون در خیز بیماری قرار داریم همچنان برای گروه‌های پرخطر از جمله سالمندان و افسراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای، تزریق واکسن توصیه می‌شود. با این حال شواهد موجود بیانگر آن است که پوشش ناکافی واکسیناسیون به عنوان یکی از دلایل اصلی گردش بالای ویروس در جامعه مطرح شده است.

تهدید دوگانه: آلودگی هوا و فروپاشی دفاع تنفسی

بحران شیوع آنفلوآنزا با تهدید مزمن آلودگی شدید هوا، به‌ویژه در کلان‌شهرها، ترکیب شده است. این همزمانی یک تهدید دومنظوره ایجاد می‌کند. تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که آلاینده‌های هوا، به ویژه ذرات معلق PM۲٫۵ با تخریب اپیتلیوم ظرفیت تنفسی، سد دفاعی بدن را در برابر ویروس‌ها تضعیف می‌کنند. این وضعیت، التهاب سلولی را افزایش داده و مسیر ورود و تکثیر ویروس‌ها را آسان می‌کند به نحوی که یک عفونت معمولی می‌تواند به بستری شدن بیمار ختم شود.

معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی تهران نیز افزایش مراجعات بیماران دچار عفونت‌های حاد تنفسی در این روزها را تأیید کرده است. آلودگی هوا به مثابه یک «بحران سلامت در سایه» عمل می‌کند که تهدید ویروسی را از یک خطر فصلی به یک معضل سیستمیک تبدیل می‌کند. در نتیجه، مراکز درمانی و اورژانس‌ها در شهرهای آلوده با بار مضاعفی روبه‌رو هستند. این عامل در تصمیم‌گیری برای تعطیلی مدارس نیز خود را نشان می‌دهد؛ در حالی که در برخی استان‌ها، آنفلوآنزا دلیل اصلی تعطیلی است در کلان‌شهرهایی مانند تهران و تبریز،

شهر

تهران در تسخیر موش‌ها

فقدان مدیریت کارآمد و بی‌ثباتی سازمانی در شهرداری تهران، پایتخت را به جولانگاه موش‌ها تبدیل کرده است

است؛ تا زمانی که بستر اصلی تغذیه و زاد و ولد (زباله‌ها) از بین نرود، هرگونه اقدام کنترلی صرفاً یک مسکن موقت و پرهزینه خواهد بود.

بلا بی‌ثباتی و هدررفت منابع

یکی از دلایل تداوم این وضعیت نامطلوب، بی‌ثباتی و تزلزل مدیریتی در سازمان کلیدی مدیریت پسماند است. نجفی با ارائه آماری نگران‌کننده، این بی‌ثباتی را مستقیماً زیر سؤال می‌برد: «از ابتدای دوره شهرداری آقای زاکانی، چهار مدیرعامل در سازمان پسماند تغییر کرده‌اند که به‌طور میانگین هر یک تنها حدود یک سال در این سمت حضور داشته‌اند». این تغییرات مکرر، که به نوعی اعتراف شهرداری به عملکرد ضعیف سازمان تحت مدیریتش تلقی می‌شود، عملاً اجرای هرگونه برنامه اصلاحی و راهبرد بلندمدت را ناممکن کرده است. مدیران منصوب شده، فرصت کافی برای ارائه و اجرای «راهکاری مناسب و پایدار» برای حل مسئله جمع‌آوری زباله را پیدا نکرده‌اند. شهرداری به جای تمرکز بر اصلاح ساختارها و روش‌ها صرفاً به جابه‌جایی افراد بسنده کرده و نتیجه این رویکرد، آن است که نه تنها وضعیت رفت و روب شهر بهتر نشده بلکه بودجه‌های مصوب شورای شهر برای کنترل حیوانات موذی به دلیل عدم اصلاح روش جمع‌آوری زباله به هدر می‌رود.

ناکارآمدی روش‌های سنتی و غفلت از دانش روز

روش‌های سنتی مبارزه با جوندگان، که از طریق پیمانکاران انجام می‌شود، سال‌هاست که اثربخشی خود را از دست داده‌اند. ناصر امانی تأکید می‌کند که این روش‌ها «پاسخگوی مبارزه با حیوانات موذی در سطح شهر تهران نیست». گزارش‌های میدانی او حاکی از کوتاهی‌هایی در عملکرد پیمانکاران، مانند عدم خرید سم برای مدها، است. این نوسانات و ضعف در نظارت، موش‌ها را فرصت داده تا جمعیت خود را به سرعت بازیابی کنند.

در این میان، رویکرد شهرداری در انتخاب روش‌های کنترل نیز مورد انتقاد است. با توجه به آسیب‌های جدی سموم شیمیایی به محیط‌زیست و آب‌های زیرزمینی، شورای شهر بر استفاده از روش‌های فیزیکی و پایدار تأکید دارد. اما مهم‌تر از نوع روش به‌کارگیری دانش روز است. امانی با صراحت از شهرداری می‌خواهد

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



تهران، پایتخت پرتراکم و پرمسئله ایران، این روزها علاوه بر گرفتاری‌های همیشگی خود نظیر آلودگی هوا و ترافیک فلج‌کننده با یک بحران زیرپوستی اما آشکار دست و پنجه نرم می‌کند: جولان کنترل‌نشده موش‌ها. این پدیده، دیگر محدود به مناطق خاص نیست؛ از محلات جنوب تا شمال، گلابه شهروندان از تردد بی‌باکانه و افزایش جمعیت جوندگان به یک پای ثابت گزارش‌های محله‌گردی اعضای شورای شهر تبدیل شده است. اظهارات صریح اعضای شورای اسلامی شهر، به‌ویژه سوده نجفی، رئیس کمیته سلامت شورا و تذکرات مستمر ناصر امانی به وضوح نشان می‌دهد که شهرداری تهران در «جنگ با موش‌ها» شکست خورده و ریشه این شکست، نه کمبود بودجه بلکه فقدان مدیریت کارآمد و بی‌ثباتی سازمانی است.

سفره دامن زباله: عامل اصلی تکثیر جمعیت موش‌ها

محور اصلی انتقادات، مستقیماً به عملکرد سازمان مدیریت پسماند شهرداری بازمی‌گردد. همان‌طور که سوده نجفی تصریح می‌کند، «تا زمانی که روش جمع‌آوری زباله اصلاح نشود، بودجه‌های ما برای کنترل حیوانات موذی، هدر می‌رود». این جمله، چکیده بحران است. سیستم ناکارآمد و سنتی جمع‌آوری زباله، که با تخلیه نامناسب و تأخیرهای گاه و بی‌گاه همراه است، عملاً منبع غذایی دائمی و فراوانی را برای موش‌ها فراهم کرده است. این منبع غذایی تضمینی، جمعیت جوندگان را به صورت تصاعدی و غیرقابل کنترل افزایش داده است؛ تا جایی که ناصر امانی با لحنی انتقادی و کنایه‌آمیز چندی قبل گفته بود که: «موش‌ها تبدیل به گربه شدند و فره‌تر از قبل در خیابان‌ها دیده می‌شوند».

شهرداری تهران، که ابتدایی‌ترین وظیفه‌اش نظافت و نگهداشت شهر است در این حوزه، ضعف مفرطی نشان داده است. این ضعف، نه تنها تصویری ناخوشایند از پایتخت به نمایش می‌گذارد بلکه محیطی ایده‌آل برای زاد و ولد و رشد موش‌ها فراهم می‌کند. مبارزه با موش‌ها در چنین شرایطی، شبیه به پر کردن یک سوراخ با الک



و سرعت گسترش بیماری، مجموعه‌ای از مداخلات فوری برای کنترل شیوع در دستور کار قرار گرفته است. در رأس این اقدامات، مداخلات غیردارویی (NPIs) قرار دارد؛ اقداماتی که تجربه سال‌های گذشته نشان داده، نقشی تعیین‌کننده در قطع زنجیره انتقال دارند. بر همین اساس، استفاده از ماسک در فضاهای شلوغ و سر بسته، تهویه مناسب در محیط‌های کار و آموزش و رعایت دقیق اصول بهداشتی توسط مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز تجمعی ضروری اعلام شده است. تأکید دستگاه‌های مسئول بر این نکته استوار است که همراهی عمومی با این توصیه‌ها می‌تواند، سرعت انتشار را به شکل قابل توجهی کاهش دهد و فشار بر سیستم درمانی را کم کند. همزمان، مدیریت مصرف دارو یکی دیگر از محورهای مهم راهبردهای کنونی است. وزیر بهداشت هشدار داده است که مصرف خودسرانه آنتی‌بیوتیک برای درمان موارد آنفلوآنزا ممنوع بوده و می‌تواند، پیامدهای جدی به‌دنبال داشته باشد. این هشدار نه تنها به دلیل بی‌اثر بودن آنتی‌بیوتیک در برابر ویروس‌های تنفسی مطرح شده بلکه از آن جهت که مصرف بی‌رویه این داروها به تقویت بحران خاموش‌تر اما خطرناک‌تر مقاومت میکروبی منجر می‌شود. از این‌رو، تصمیم‌گیری درباره مصرف دارو باید تنها توسط پزشکان انجام شود و داروخانه‌ها نیز ملزم به رعایت دقیق ضوابط تجویز هستند.

شهر

تعطیلی تهران در پی تشدید آلودگی هوا

طرح زوج و فرد از درب منزل

در پی تداوم آلودگی هوای تهران و هشدارهای سازمان هواشناسی، پنجمین جلسه کارگروه اضطرار آلودگی هوا به ریاست استاندار تهران، محمدصادق معتمدیان، دیروز در استانداری تشکیل شد. جمع‌بندی گزارش‌ها و داده‌های ارائه شده توسط دستگاه‌های ذی‌ربط منجر به اتخاذ تصمیماتی شد که محور اصلی آن حفظ سلامت شهروندان، کاهش تردهای غیرضروری و کنترل منابع آلاینده است. طبق مصوبه این کارگروه، تمامی مدارس و دانشگاه‌های شهر و استان تهران به‌جز شهرستان‌های ملارد، شهریار، شهرقدس، رباط‌کریم، فیروزکوه، دماوند و پردیس روز شنبه ۸ آذر تعطیل بوده و آموزش به‌صورت کامل مجازی و از طریق بستر «شاد» ارائه می‌شود. همچنین مهدکودک‌ها و پیش‌دستانی‌ها نیز تعطیل خواهند بود. در حوزه اداری، با توجه به شرایط اضطرار، امکان استفاده از دورکاری برای کارکنان دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌ها- به استثنای دستگاه‌های امدادی، خدماتی، عملیاتی، نظامی و انتظامی- با نظر مدیران فراهم شده است. بانک‌ها نیز در قالب «کشیک» فعال خواهند بود تا خدمات ضروری متوقف نشود. از مهم‌ترین محدودیت‌های ترافیکی اعمال شده، می‌توان به اجرای طرح زوج و فرد از درب منزل از ساعت ۶:۳۰ تا ۲۰:۳۰ اشاره کرد. علاوه بر این، صدور مجوزهای روزانه طرح ترافیک کاملاً متوقف شده است. تردد کامیون‌ها نیز در سطح شهر به صورت ۲۴ ساعته ممنوع است مگر در موارد حمل مواد فسادپذیر یا سوخت. پلیس راهور موظف شده از تردد خودروهای دودزا جلوگیری کرده و شرکت واحد نیز باید از روشن ماندن اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها در پایانه‌ها جلوگیری کند. شهروندان همچنین باید در ساعات پرتدد از ماسک‌های مورد تأیید وزارت بهداشت استفاده کنند به خصوص گروه‌های حساس مانند کودکان، سالمندان، بیماران قلبی-تنفسی و زنان باردار. در بخش فعالیت‌های صنعتی و عمرانی نیز محدودیت‌های سخت‌گیرانه اعمال شده است. فعالیت کلیه معادن شن و ماسه و کارخانه‌های سیمان تهران و سیمان شمال- به‌جز کوره‌های فاقد آلایندگی- تعطیل می‌شود. تمامی فعالیت‌های عمرانی شامل تخریب و آواربرداری نیز در سطح استان ممنوع اعلام شده است. کنترل نوع سوخت صنایع و تشدید نظارت بر واحدهای آلاینده نیز در دستور کار دانشگاه‌های علوم پزشکی و فرمانداری‌ها قرار گرفته است.

آلودگی هوا و همزمانی آن با بیماری‌های تنفسی به عنوان دلایل ترکیبی مطرح می‌شوند.

۵۰ هزار تخت فرسوده و کمبود منابع

در شرایطی که بخش‌های اطفال تحت فشار حداکثری قرار دارند، مشکلات زیرساختی مزمن نظام سلامت، خود را با وضوح بیشتری نشان می‌دهند. معاون درمان وزارت بهداشت وجود «۵۰ هزار تخت بیمارستانی فرسوده» در کشور را تأیید کرده است. این میزان فرسودگی در کشوری که در معرض تهدیدات فصلی و سوانح طبیعی قرار دارد، یک خطر ملی زیرساختی تلقی می‌شود.

تأخیر ۹ ماهه کارانه

درحالی که کادر درمان در خط مقدم مقابله با موج آنفلوآنزای تهاجمی قرار دارند با بحران مالی مزمن داخلی مواجه هستند. معاون درمان وزارت بهداشت تأخیر حدود ۹ ماهه در پرداخت کارانه کادر درمان را تأیید کرد که این تأخیر در حال پیگیری برای به‌روز شدن است. این مشکل ریشه در بدهی‌های انباشته و تعهدات معوق سازمان‌های بیمه‌گر (تأمین اجتماعی و بیمه سلامت) به وزارت بهداشت دارد. در نهایت اینکه؛ با توجه به روند رو به افزایش موارد ابتلا



سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یازفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی راد، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

شناسه آگهی ۲۰۵۷۷۰۱

نوبت اول

آگهی عمومی تجدید ارزیابی کیفی مناقصه گران

مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۸۰۶/۱۴۰۴ م م ت

باشماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۳۵۶۷۰۰۰۱۰۵



شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز اروندان

هذ کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد و، علاوه بر تأمین کنندگان کالای اصلی تولیدکنندگان کالای ایرانی واجد شرایط مندرج در شرح کار نیز می توانند در فراخوان شرکت نمایند.

بدیهی است انتشار این آگهی صرفا به منظور شناسایی و ارزیابی متقاضیان طبق قانون برگزاری مناقصات بوده و ارسال اسناد و مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی برای متقاضیان در مقابل این شرکت ایجاد نمی کند. ضمنا هزینه درج آگهی بعهدہ برنده مناقصه است. متقاضیان در صورت داشتن هرگونه

سوالی می توانند با شماره تلفن های ذیل تماس بگیرند.

تلفن تدارکات و امور کالا: ۰۶۱۳۲۱۱۳۳۰۸۷

نمابر تدارکات و امور کالا: ۰۶۱۳۲۱۱۳۳۰۸۴

تلفن دفتر هماهنگی تهران: ۰۲۱۸۹۰۱۰۵۰

آدرس وب سایت: AOGC.IR

پست الکترونیکی: Tenders@aogc.ir

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

روابط عمومی شرکت نفت و گاز اروندان

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نظر به دستور مواد ۳۰۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.

املاک متقاضی واقع در قریه علی آباد میر پلاک ۳۳ اصلی بخش ۲ قشلاقی کلاسه ۵۰۱۸/۱۴۰۳/۳۳۵۸
رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۰۷۰۳۹۲۳۵ پلاک ۳۳۲۵ فرعی آقای سید فخرالدین حسینی علی آباد فرزند سید رمضان نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ محصور (کاربری باغی) به مساحت ۲۹۲ مترمربع خریداری بدون واسطه یا واسطه از ورته ای (وراث مرحوم سید رمضان حسینی علی آباد)

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی اکثرالانتشار در شهرمنتشر ودر روستا علاوه برانتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی ودر روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس ازتنظیم اظهار نامه حاوی تحدید حدود مراتب رادر اولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند ونسبت به املاک در جریان ثبت وفاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

شناسه آگهی: ۲۰۵۶۳۵۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

علی اکبر مقدسی فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون

وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین

تکلیف وضعیت ثبتی اراضی

وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای هیات به شماره ۱۷۸۳۷ تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بهشهر تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای سید حسینعلی حاتمی گلوردی فرزند سیدعلی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۹،۱۵ مترمربع بشماره کلاسه ۱۴۰۳/۲/۱۲۷ قسمتی از پلاک ۲۰- اصلی واقع در اراضی شهیداباد بخش ۱۸ ثبت بهشهر مستند مالکیت خریداری شده مع الواسطه از مالک رسمی سید طالب خالقی تروجنی به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۴۵۶۳۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

محمدحسن صادقی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بهشهر

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۳۰۱ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، ملک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی امل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در بخش ۳ ثبت امل – دهستان دشت سر

۳۳- اصلی (قریه بازیارکلا)

۱۱۰۶۱ فرعی از ۶۴۳ فرعی خاتم بهاره درویشی در ششدانگ یک قطعه زمین که قسمت اعظم ملک در مسیر تعریض خیابان ۳۰ متری قرار دارد به مساحت ۱۱۴،۴۵ مترمربع. خریداری شده بلا واسطه از حسین هدایتی و یداله هادیان و مع الواسطه از مهدی درویشی عمران و مهدی پرتوی و محمدتقی درویشی عمران و مسعود علیزاده و مالک رسمی فرشید خانزاد.

لذا به موجب ماده ۳-قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دونوبت به فاصله ۱۵روز از طریق روزنامه محلی و اکثرالانتشار در شهرها منتشر ودر روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودر صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید وصدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

شناسه آگهی: ۲۰۴۵۹۸۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

حسن صالحی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک امل

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی

و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

حوزه شهرستان ساری منطقه سه

برابر رای شماره ۱۰۹۵۳/۱۰۴۵۷۰۱۰۴۶۰۳۱۰۴۰۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای سید مسعود کاظمی سنگدهی فرزند سید حسین بشماره ملی ۵۷۸۹۹۰۰۸۴۴/بشماره پرونده ۲۲۹-۱۴۰۴ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۰۰۰ (چهار هزار) مترمربع قسمتی از پلاک ۴ اصلی بخش ۲۸ ثبت ساری قریه سنگده و درزیکلا خریداری از سیده سکینه موسوی سنگدهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۵۱۷۳۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

فریبرز یوسفیان حمیدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری منطقه ۳

آگهی تحدید حدود حوزه ثبتی شهرستان نوشهر

پیرو آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و به استناد تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون اخیر الذکر تحدید حدود املاک مشروحه ذیل در ساعت و تاریخ های مقرر در محل وقوع ملک به شرح ذیل به عمل خواهد آمد.

املاک متقاضی واقع در قریه علی آباد میر پلاک ۳۳ اصلی بخش ۲

قشلاقی کلاسه ۵۰۱۸/۱۴۰۳/۵۱۸

رای شماره ۱۴۰۴۰۳۱۰۰۷۰۳۹۲۳۵ پلاک ۳۳۲۵ فرعی آقای سیدفخرالدین حسینی علی آباد فرزند سید رمضان نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ محصور (کاربری باغی) به مساحت ۲۹۲ مترمربع خریداری بدون واسطه یا واسطه از ورته ای (وراث مرحوم سید رمضان حسینی علی آباد)

ساعت ۹ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۲ لذا از متقاضی و مالکین املاک مجاور و صاحبان حقوق ارفاقی دعوت می شود در وقت مقرر در محل وقوع ملک حضور بهم رسانند بدیهی است در صورت عدم حضور متقاضی و یا نماینده قانونی آنان طبق ماده ۱۵ قانون ثبت ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد معترضین می توانند به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت و مواد ۸۶ و ۷۴ آئین نامه قانون ثبت طرف مدت ۳۰ روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود اعتراض خود را کتبا به این اداره تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به واحد ثبتی مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع قضائی نمایند در غیر اینصورت با ارائه گواهی عدم تقدیم دادخواست توسط متقاضی و یا نماینده قانونی وی و بدون توجه به اعتراض واصله عملیات ثبتی با رعایت مقررات ادامه می یابد.

شناسه آگهی: ۲۰۵۵۳۳۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

علی اکبر مقدسی فر
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر